





نظام موضوعات سخنرانی های عمومی حرم مطهر در ماه صفرالمظفر ۱۴۴۷ ه. ق

تدوین: واحد هیئت اندیشه ورز معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی

پدیدآورندگان: دکتر عبدالرضا آتشین صدف، حجت الاسلام سید محمد ضیائی، حجت الاسلام

سید هادی ضیائی، دکتر امیر قربانی، دکتر مهدی فدایی

ارزیاب محتوایی: حجت الاسلام علی ابهری

ویراستار ادبی: سید علی آقایی

گرافیک: احمد خان بابایی

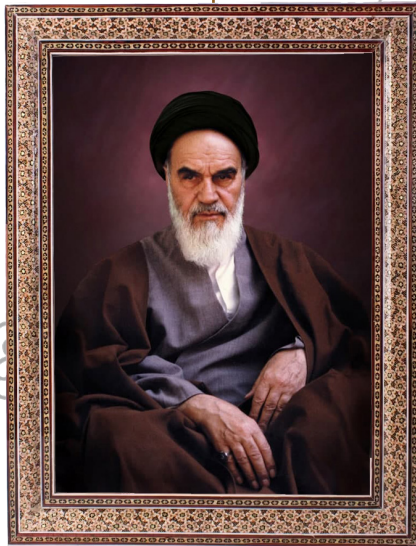
سال چاپ: ۱۴۰۴

تعداد صفحات: ۹۲ صفحه

مشخصات ظاهری: قطع رقعی







یکی از فرق‌های بین حکومت اسلام با سایر حکومتها، این است که در حکومت اسلام جوّ، جوّ محبّت است. بین شخص اول مملکت مثل رسول خدا- که شخص اول بود- و در زمان خلافت امیر المؤمنین؛ شخص اول، امیر المؤمنین بود با ادنی فرد... به... نظر مردم ... فرق اساسی مربوط به دنیا نبود. این طور نبود که رسول خدا حالا که در رأس واقع شده و رئیس امت است، مثل سایر حکومتها ریاست بکند. در مسجد می آمدند می نشستند؛ اصحابشان و اتباعشان هم توی مسجد بود؛ کسی، از خارج که می آمد نمی دانست کدام از آنها پیغمبر است. می پرسید کدامتان پیغمبر هستید؟ در نشستن این طور نبود که یکی در بالای تخت بنشیند و ما بقی مقابلش بایستند و سلام نظامی بکنند! حضرت امیر هم همین طور بود. صدر اسلام وضع این طور بود، این طور نبود که اُمرای لشکر... با مردم دیگر فاصله بگیرند؛ جوّ محبّت بود. آنها در یک محیط دوستی و رفاقت و محبت زندگی می کردند.



این مراسم [راهپیمایی اربعین] را هر چه می‌توانید و هر چه می‌توانیم، باید پُربارتر و معنوی‌تر کنیم؛ معنا و مضمون این مراسم را باید روزبه‌روز بیشتر کنیم؛ اهل فکر، اهل فرهنگ، اهل اقدام فرهنگی و فکری، برای این حرکت عظیم بنشینند برنامه‌ریزی کنند. امروز هدف هر مسلمان باید ایجاد تمدن اسلامی نوین باشد؛ ما امروز این را می‌خواهیم. ملت‌های اسلامی ظرفیت‌های عظیمی دارند که اگر از این ظرفیت‌ها استفاده شود، امت اسلامی به اوج عزت خواهد رسید؛ ما باید به این بیندیشیم، به این فکر کنیم.

۱۳۹۸ / ۶ / ۲۷



اربعین نمونه بارزی از تأثیر عتبات عالیات در ایجاد سرمایه اجتماعی و جریان سازی فرهنگی بوده و می‌تواند نقش تربیتی قابل توجهی در جهان اسلام داشته باشد. راهپیمایی باشکوه و با عظمت در اربعین حسینی علیه السلام جلوه و تجلی محبت اهل بیت علیهم السلام در دل مردم است... اربعین جلوه‌های باشکوه و زیبایی دارد، یکی از آن‌ها رنگ خدایی گرفتن است. از بین رفتن مرزهای میزبان و میهمانی دیگر جلوه این حرکت است و در این ایام اربعین حتی صاحب‌خانه‌ها خود میهمان امام حسین علیه السلام هستند.



فهرست مطالب

- مقدمه ۱۱
- مظلومیت و مقاومت اهل بیت علیهم السلام در اسارت ۱۵
- فلسفه قیام عاشورا در زیارت اربعین ۱۸
- بازتاب سبک زندگی اسلامی در راهپیمایی اربعین ۲۰
- نهضت حسینی و روحیه مقاومت در برابر ظلم در نسل امروز ۲۳
- اربعین، تجلی محبت و وحدت عبادی و سیاسی در جهان اسلام ۲۶
- تاریخ زندگی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ۳۱
- شخصیت و سیره پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در آینه قرآن ۳۵
- سیمای رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در نهج البلاغه ۳۷
- سیره سیاسی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ۴۰
- عبادت و بندگی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ۴۴
- اهمیت نماز در سیره و سبک زندگی نبوی ۴۷
- خوش خلقی در سیره و سخن پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ۵۰
- پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم؛ الگوی الفت و مهربانی در خانواده ۵۳
- سیره پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در رفتار با کودکان ۵۸
- سبک رفتاری پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در مواجهه با فقرا ۶۱
- محبت اهل بیت علیهم السلام در کلام رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ۶۶



- برترین بندگان از منظر پیامبر گرامی اسلام ﷺ ۷۰
- تاریخ زندگی امام حسن مجتبیٰ ﷺ ۷۷
- فضائل و مناقب امام حسن مجتبیٰ ﷺ ۸۰
- بخشش کریمانه در سیره و سبک زندگی امام حسن مجتبیٰ ﷺ ۸۳
- علل و عوامل صلح امام حسن مجتبیٰ ﷺ ۸۶
- پرشکوه‌ترین نرمش قهرمانانه تاریخ ۹۰



مقدمه

تمدن اسلامی، که پیامبر اسلام ﷺ بنیان‌گذار آن بودند، از آغاز هجرت به مدینه شکل گرفت. ایشان با برقراری آرامش، امنیت، ترویج اخلاقیات والای انسانی، توسعه فرهنگ تعاون و تأکید بر عدالت و آموزش، زیربنای این تمدن عظیم را بنا نهادند. هجرت به مدینه، بستر مناسبی برای تأسیس حکومت اسلامی و تمدنی نوپا با روحیه همبستگی و برادری فراهم آورد.

اربعین حسینی نیز به عنوان یک پدیده عظیم دینی، فرهنگی و اجتماعی، نقش مهمی در مهندسی تمدن اسلامی ایفا می‌کند. این مناسبت بزرگ، جلوه‌ای از تعالی انسانی و تمدنی است که با ارزش‌هایی چون محبت، تواضع، ایثار، همدلی و اتحاد دینی و اخلاقی همراه است. اربعین، به مثابه عرصه تجلی ایمان و وحدت جامعه اسلامی، می‌تواند مقدمه‌ای برای ظهور تمدن نوین اسلامی باشد که ریشه در آموزه‌های پیامبر ﷺ و مکتب عاشورایی دارد. این مناسبت، با نمایش آموزه‌های دینی و اخلاقی و نیز تقویت روحیه مقاومت و اتحاد مسلمین، بستری مناسب برای احیای فرهنگ اسلامی و ساخت تمدنی مبتنی بر عدالت، اخلاق و وحدت فراهم می‌آورد.

مقام معظم رهبری ﷺ با اشاره به ظرفیت عظیم اربعین برای تشکیل امت واحده اسلامی و تمدنی که پیامبر اعظم ﷺ و اولیای معصومش بنیان نهادند، اهل فکر و فرهنگ را به برنامه‌ریزی برای آن فراخوانده و می‌فرمایند:

این مراسم [راهپیمایی اربعین] را هر چه می‌توانید و هر چه می‌توانیم، باید پُربارتر و معنوی‌تر کنیم؛ معنا و مضمون این مراسم را باید روزبه‌روز بیشتر کنیم؛ اهل فکر، اهل فرهنگ، اهل اقدام فرهنگی و فکری، برای این حرکت عظیم بنشینند برنامه‌ریزی کنند. امروز هدف هر مسلمان باید ایجاد تمدن اسلامی نوین باشد؛ ما امروز این را می‌خواهیم. ملت‌های اسلامی



ظرفیت‌های عظیمی دارند که اگر از این ظرفیت‌ها استفاده شود، امت اسلامی به اوج عزّت خواهد رسید؛ ما باید به این بیندیشیم، به این فکر کنیم. (۱۳۹۸/۰۶/۲۷)

مجموعه نظام موضوعات دهه آخر ماه صفر (فاصله میان اربعین حسینی تا سالروز شهادت امام رضا علیه السلام)، با الهام از فرمایشات مقام معظم رهبری مبنی بر اینکه «اربعین، بستر ظهور تمدن اسلامی» است، این مفهوم را به عنوان شعار اصلی و محوری خود برگزیده است. این مجموعه می‌کوشد تا ضمن تبیین ظرفیت‌های بی‌نظیر اربعین و آیین‌های مرتبط با آن، ابعاد گوناگون سبک زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سیره امام حسن مجتبی علیه السلام را معرفی نماید. هدف از این اقدام، ارائه منبعی الهام‌بخش برای سخنرانان و مبلغان فرهنگی حرم مطهر است تا در عرصه ترویج معارف اهل بیت علیهم السلام و نشر کلام نورانی ایشان، از آن بهره گیرند. امید است این مجموعه در مسیر ترویج معارف اهل بیت علیهم السلام و مورد رضایت حق تعالی قرار گیرد.







مظلومیت و مقاومت اهل بیت علیهم السلام در اسارت

پیام: ایستادگی قدرتمند در برابر ظلم و حفظ پیام حق در سخت‌ترین شرایط

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

* آیا بیان مظلومیت و مقاومت اهل بیت علیهم السلام در اسارت، صرفاً جنبه احساسی دارد یا پیامدهای سیاسی و اجتماعی عمیق‌تری را نیز در برمی‌گیرد؟

تبیین موضوع و پیام:

مظلومیت اهل بیت علیهم السلام در دوران اسارت، تجسمی تلخ از اوج ستم و بی‌رحمی در تاریخ بشریت است. این مظلومیت در موارد زیر نمایان می‌شود:

* از دست دادن عزیزان: شهادت امام حسین علیه السلام و یاران باوفایش؛

* اسارت و بی‌حرمتی: به اسارت برده شدن زنان و کودکان و تحمل

بی‌احترامی‌ها و سختی‌های سفر؛

* بیماری و رنج: بیماری امام سجاد علیه السلام در اوج دوران جوانی و تحمل رنج

بیماری در کنار اسارت؛

* غربت و انزوا: دورافتادگی از وطن و فقدان حامیان.

مقاومت اهل بیت علیهم السلام در اسارت، نه از سر قدرت ظاهری، بلکه برخاسته از ایمان راسخ، صبر و استقامت در برابر تقدیر الهی و پایبندی به اصول و ارزش‌های اسلامی بود. خطبه‌های آتشین حضرت زینب علیها السلام در کوفه و شام، پرده از چهره کریه یزید برداشت و حقیقت ماجرا را به گوش مردم رساند. جلوه‌های مقاومت و پایداری اهل بیت علیهم السلام در اسارت به روشنی در موارد زیر تبلور یافته است:

* خطبه‌های روشنگرانه و رسواگرانه حضرت زینب علیها السلام در کوفه و شام؛

* صبر و شکیبایی امام سجاد علیه السلام و خطبه‌های روشنگرانه ایشان؛

* حفظ کرامت و عزت در اسارت.

این مظلومیت و مقاومت، نه تنها در زمان خود تأثیرگذار بود، بلکه به الگویی



برای مبارزه با ظلم و دفاع از حق در طول تاریخ تبدیل شد و پیام اصلی عاشورا را زنده نگه داشت. این مقاومت در حفظ کرامت انسانی و بیان حق، نشان داد که حتی در اوج اسارت و انقیاد، روح آزادی و ایستادگی در برابر باطل همچنان می‌تواند الهام‌بخش باشد.

مستندات:

[توکل اهل بیت علیهم‌السلام در اسارت با الهام از قرآن]

◆ سوره مبارکه آل عمران/ ۱۶۰: إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

[وفاداری اهل بیت علیهم‌السلام به عهد با خدا در اسارت]

◆ سوره مبارکه احزاب/ ۲۳: مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا

[زنده نگه داشتن قلب با یاد خدا و تلاوت قرآن در اسارت]

◆ سوره مبارکه زمر/ ۲۳: اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَتَانِي تَقْسَعُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلَدُّنَ جُلُودَهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ

• خطبه حضرت زینب رضی‌الله‌عنه در مجلس یزید لعنت الله علیه (لهوف، ص

۱۸۳-۱۸۶)

مقاومت امام سجاد علیه‌السلام

هنگامی که اسرا را به مجلس یزید وارد کردند بعد از کمی گفتگو، یزید سخنگوی دربار را طلبید و دستور داد که منبر برود و از امام حسین علیه‌السلام و پدرش بدگوئی کند سخنگو منبر رفت و نسبت به امیرالمؤمنین علی و امام حسین شهید علیه‌السلام بسیار بدگوئی کرد و از معاویه و یزید ستایش نمود. امام علی بن الحسین علیه‌السلام بانگ بر او زد و گفت: وای بر تو ای سخنگو که رضای مخلوق را به خشم آفریدگار خریدی. نشیمنگاه خود را در آتش ببین. راستی که ابن سنان خفاجی در توصیف امیرالمؤمنین علی چه خوب شعری سروده است که مضمونش چنین است:



♦ أَعْلَى الْمَنَابِرِ تُعْلِنُونَ بِسَيِّئِهِ وَبِسَيِّئِهِ نَصَبْتُ لَكُمْ أَعْوَادَهَا (لهوف، ص ۱۸۷-)

(۱۸۸)

- آیا بر منبر بدگویی از کسی می‌کنید که با شمشیر او پایه‌های آن منبر درست شده است؟

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

- سید ابن طاووس، لهوف (آهی سوزان بر مزار شهیدان)، مترجم: احمد فهری زنجانی، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۹۶.



فلسفه قیام عاشورا در زیارت اربعین

پیام: زیارت‌نامه اربعین، چراغ راه پیروان امام حسین علیه السلام برای عدم انحراف نهضت حسینی

سوالات و چالش‌های فکری مخاطب:

- * فلسفه و هدف قیام امام حسین علیه السلام چه بود؟
- * آیا قیام کربلا به اهدافش رسید؟

تبیین موضوع و پیام:

یکی از مهم‌ترین موضوعات در نهضت عظیم عاشورا و قیام اباعبدالله الحسین علیه السلام، درک هدف و فلسفه آن است تا این حرکت تاریخ‌ساز، دچار انحراف نگردد. امام صادق علیه السلام در زیارت اربعین به زیبایی و اتقان هرچه تمام‌تر، اهداف و آموزه‌های بنیادین این قیام همچون رضای الهی، مبارزه با طاغوت و دنیاپرستی، شهادت‌طلبی، ایثار و توحید را تبیین فرموده است.

زیارت اربعین، با عباراتی مانند «وَبَدَّلَ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لِيَسْتَقِفَّ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَخَيْرَةِ الضَّلَالَةِ» به شکلی صریح هدف اصلی قیام را نجات بشریت از جهل و گمراهی معرفی می‌کند. پرواضح است که این نجات، شامل رهایی از گمراهی فکری و نیز انحرافات فکری، عقیدتی و سیاسی می‌گردد. آن حضرت در زیارت مذکور می‌فرماید که امام حسین علیه السلام با قیام خود، در برابر انحراف‌های متعددی ایستادگی کرد که از مسیر اصلی اسلام توسط حاکمیت وقت ایجاد شده بود.

همچنین، زیارت اربعین بر مفهوم شهادت به‌عنوان راهی برای احیای کرامت و سعادت تأکید نموده است. (أَكْرَمْتُهُ بِالشَّهَادَةِ وَحَبَوْتُهُ بِالسَّعَادَةِ وَاجْتَبَيْتُهُ بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ)

رسیدن به درجات عالی کمال، منتخب و مرتضای خدا شدن از دیگر فلسفه‌هایی است که در این زیارت‌نامه برای نهضت ماندگار امام حسین علیه السلام بیان می‌فرماید.



مستندات:

زیارت نامه اربعین

♦ وَجَعَلْتُهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ فَأَعَذَّرَ فِي الدُّعَاءِ وَمَنَحَ التُّنْصَحَ وَبَدَّلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مِنْ غُرَّتِهِ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَزْدَلِ الْأَذَى وَشَرَى آخِرَتَهُ بِالْتَّمَنِ الْأَوْكَسِ وَتَغَطَّرَسَ وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ وَأَسْخَطَكَ وَأَسْخَطَ نَبِيَّكَ وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَالتَّفَاقِ وَمَمْلَكَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ (لِلنَّارِ) فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِراً مُحْتَسِباً حَتَّى سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ وَأَسْتَبِيحَ حَرِيمُهُ؛

• و او [اباعده الله حسین علیه السلام] را از میان جانشینان، حجت بر بندگان قرار دادی و در دعوتش جای عذری باقی نگذاشت و از خیرخواهی دریغ نورزید و جانش را در راه تو بذل کرد تا بندگان را از جهالت و سرگردانی گمراهی برهاند درحالی که بر ضد او به کمک هم برخاستند، کسانی که دنیا مغرورشان کرد و بهره واقعی خود را به فرومایه تر و پست تر چیز فروختند و آخرتشان را به کمترین بها به گردونه فروش گذاشتند. تکبر کردند و خود را در دامن هوای نفس انداختند، تو را و پیامبرت را به خشم آوردند؛ و اطاعت کردند از میان بندگان، اهل شکاف افکنی و نفاق و بارکشان گناهان سنگین و سزواران آتش را پس با آنان درباره تو صابرا نه و به حساب تو جهاد کرد تا در طاعت تو خونش ریخته شد و حریمش مباح گشت.

♦ امام حسین علیه السلام: وَإِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْراً وَلَا بَطِراً وَلَا مُفْسِداً وَلَا ظَالِماً وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّهِ جَدِّي أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمُعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرُ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلَى بَنِي طَالِبٍ (مقتل الحسین، ص ۱۵۶)؛

• من یک مرد جاه طلب مقام طلب اخلاص طلب مفسد و ظالم نیستم. قیام من قیام اصلاح طلبی است. قیام و خروج کردم برای اینکه می خواهم امت جد خودم را اصلاح کنم. من می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره جدم رسول خدا و پدرم علی بن ابیطالب رفتار کنم...

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

• پرنه، عبدالرضا؛ پرنه، احد، شرحی نو بر زیارت اربعین، قزوین: آریا دانش، ۱۳۹۷.



بازتاب سبک زندگی اسلامی در راهپیمایی اربعین

پیام: راهپیمایی اربعین، تجلی‌گاه اخلاق اجتماعی اسلام

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

* آیا بهتر نیست این همه هزینه و انرژی که صرف راهپیمایی اربعین می‌شود، صرف کمک به نیازمندان شود؟

تبیین موضوع و پیام:

راهپیمایی اربعین حسینی، فراتر از یک آیین مذهبی، تجلی‌گاه سبک زندگی اسلامی است که در آن، ارزش‌ها و اصول اخلاقی اسلام به صورت عینی تبلور یافته است. در این حرکت عظیم، زائران با تأسی به سیره اهل بیت علیهم‌السلام، جلوه‌هایی از ایثار، اطعام، مهمان‌نوازی، مهربانی، تواضع، صبر، قناعت و همدلی را به نمایش می‌گذارند. پذیرایی بی‌دریغ از زائران، کمک به نیازمندان، احترام به سالمندان، رعایت حقوق دیگران و حفظ نظافت محیط زیست، تنها بخشی از رفتارهای پسندیده‌ای است که در این راهپیمایی به‌وفور دیده می‌شود و نشان‌دهنده تأثیر عمیق آموزه‌های اسلامی بر رفتار و کردار زائران است. راهپیمایی درواقع یک نمونه کوچک از مدینه فاضله و تمدن نوین اسلامی است که می‌تواند به الگویی برای جامعه بزرگ اسلامی تبدیل شود.



مستندات:

[تجلی دستور قرآن بر نیکی و تقوا در مسیر اربعین]

◆ سوره مبارکه مائده/۲: ... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ...

[تبلور سخاوت و ایثار در عین نیازمندی از سوی میزبان عراقی در

مسیر اربعین]

◆ سوره مبارکه انسان/۸: وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا
◆ سوره مبارکه حشر/۹: وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحْجَبُونَ مَنْ هَاجَرَ

إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَخِّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

♦ پیامبر گرامی اسلام ﷺ: الصَّيْفُ دَلِيلُ الْجَنَّةِ (مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۵۷)

• مهمان، راهنمای بهشت است.

♦ امام صادق علیه السلام: مِنْ حَقِّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ أَنْ لَا يَشْجَعَ وَيَجُوعَ أَخُوهُ وَلَا يَرَوْى وَيَعْطَشُ أَخُوهُ وَلَا يَلْبَسُ وَيَعْرِى أَخُوهُ (الكافي، ج ۲، ص ۱۷۰)،

• حق مسلمان بر مسلمان این است که تا برادرش گرسنه است، او سیر و پُر نخورد و تا برادرش تشنه است، او سیراب نگردد و تا برادرش برهنه است، او خود را نپوشاند.

♦ پیامبر گرامی اسلام ﷺ: أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ سُرُورُ تَذْخُلُهُ عَلَى مُؤْمِنٍ تَطَرُّدُ عَنْهُ جُوعَتُهُ وَكَشْفُ عَنْهُ كُرْبَتُهُ (وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۵۳)؛

• محبوب‌ترین اعمال نزد خدا سروری است که به مؤمنی رسانی؛ گرسنگی او را بزدايي یا گرفتاری او را برداری.

ابان بن تغلب می‌گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

♦ أَخْبَرَنِي عَنْ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ فَقَالَ يَا أَبَانَ دَعُهُ لَا تَرِدُهُ قُلْتُ بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ يَا أَبَانَ لَا تَرِدُهُ قُلْتُ بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ فَلَمْ أَزَلْ أُرَدِّدْ عَلَيْهِ فَقَالَ يَا أَبَانُ ثَقَاثُ سَطَرَ مَالِكٍ ثُمَّ نَظَرَ إِلَيَّ فَرَأَى مَا دَخَلَنِي فَقَالَ يَا أَبَانُ أَمَا تَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ ذَكَرَ الْمُؤْمِنَيْنِ عَلَى أَنْفُسِهِمْ قُلْتُ بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ فَقَالَ أَمَّا إِذَا أَنْتَ قَاسَمْتَهُ فَلَمْ تُؤْمِرْهُ بَعْدُ إِمَّا أَنْتَ وَهُوَ سَوَاءٌ إِمَّا تُؤْمِرُهُ إِذَا أَنْتَ أَعْطَيْتَهُ مِنَ النَّصْفِ الْآخَرِ (کافی، ج ۲، ص ۱۷۲)؛

• مرا از حق مؤمن بر مؤمن، آگاه فرما. فرمود: «ای ابان! این موضوع را بگذار و از آن، بگذر». گفتم: نه فدایت شوم؛ و به ایشان، اصرار ورزیدم. پس فرمود: «ای ابان! [از حقوق مؤمن بر مؤمن، این است که] دارایی‌ات را با او به دو نیم، قسمت کنی». سپس به من نگرست و چون حالت [عجاب] دست داده به مرا دید، فرمود: «ای ابان! مگر نمی‌دانی که خداوند عزوجل از ایثارگران، یاد کرده است؟» گفتم: چرا، فدایت شوم. فرمود: «هرگاه دارایی‌ات را با او قسمت کنی، هنوز ایثار نکرده‌ای؛ بلکه تو و او یکسانید. وقتی ایثار می‌کنی که از نیم دیگر هم به او بدهی».



منابع مطالعاتی برای مخاطب:

- غابدینی، محمدرضا، قدم عاشقی: حرکت کاروانی اربعین؛ امتداد عاشورا تا ظهور، تهران: دفتر نشر معارف (وابسته به نهاد نمایندگی مقام رهبری در دانشگاه)، ۱۳۹۹.



نهیضت حسینی و روحیه مقاومت در برابر ظلم در نسل امروز

پیام: الهام‌گیری نسل جوان از قیام کربلا در مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی

سؤالات اصلی و چالش‌های فکری مخاطب:

* چرا مسلمانان در همه جای دنیا درگیر جنگ و جدال هستند؟

* آیا مسلمانان انسان‌های جنگ‌طلبی هستند؟

تبیین موضوع و پیام:

قیام امام حسین (علیه السلام) در کربلا، فقط یک حادثه تاریخی ساده نیست؛ بلکه الگویی ماندگار و عمیق برای ایستادگی در برابر ظلم و بی‌عدالتی است. این نهضت از همان ابتدای وقوع خود تا امروز، الهام‌بخش انسان‌های آزاده در سراسر تاریخ بوده است. تأثیری که این حرکت بر مردم داشته، محدود به دوره‌ای خاص یا گروهی خاص نبوده بلکه نسل به نسل منتقل شده و هر بار با شرایط و نیازهای زمانه خود پیوند خورده است. امروز نیز همین موضوع بین نوجوانان و جوانان ما دیده می‌شود. اگر این گروه‌های جوان با نگاه ژرف و عمیق به اهداف و آرمان‌های امام حسین (علیه السلام) بنگرند، می‌توانند درس‌های بزرگی برای زندگی فردی و اجتماعی‌شان بگیرند. نسل جوان در هر مرحله از زندگی، چه در عرصه داخلی و چه در ابعاد بین‌المللی، وقتی با جنایت و بی‌عدالتی روبرو گردد، یادآوری نهضت حسینی به او انگیزه و جسارت می‌دهد تا ساکت نباشد و در مقابل ظلم بایستد.

یکی از پیام‌های مهم نهضت عاشورا همین روحیه مقاومت است. اگر به تاریخ نگاه کنیم، می‌بینیم که همین ویژگی سبب شده تا افراد زیادی با وجود شرایط سخت و تهدیدها، تسلیم نشوند و برای ارزش‌هایی مثل عدالت، آزادی و حق، مبارزه و فداکاری کنند. توجه نسل جوان به پیام مقاومت، او را آماده می‌کند که نه تنها از ادعاهای دشمنان و جبهه استکبار نترسد، بلکه بتواند با تکیه بر ایمان و پایبندی به اصول انسانی، در برابر فشارها و تهدیدهای آنان مقاومت کند.



اگر امروز شاهد رشادت و ازخودگذشتگی جوانان و رزمندگان در مبارزه با ظلم، مخصوصاً در مقابل دشمنانی مثل اسرائیل یا قدرت‌های استکباری هستیم، ریشه این احساس مسئولیت و ایثار را باید در پیام عاشورا جست‌وجو کرد. شهدای مقاومت، الهام‌گرفته از درس‌های کربلا، با تکیه بر همان انگیزه و ارزش‌ها قدم در میدان گذاشته و حاضر شده‌اند از جان خود نیز بگذرند تا صدای حق خاموش نشود.

درنهایت، نهضت حسینی دارای این پیام است که اگر خواهان آینده‌ای روشن برای همه امت مسلمان و بلکه برای همه جهان هستیم، نباید از هزینه برای حق و مقابله با ظلم هراس داشته باشیم. این مسیر، هرچند دشوار به نظر برسد، اما با ایمان و توکل به خدای متعال و الهام از قیام کربلا، سرانجام به پیروزی خواهد رسید.

مستندات:

◆ سوره مبارکه هود/۱۱۳: وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ...
 ◆ سوره مبارکه حج/۳۹: أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْتَهُمْ ظُلُمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ

◆ امیرالمؤمنین علی (علیه السلام): فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِحَاضَةِ أَوْلِيَائِهِ وَهُوَ لِبَاسُ التَّقْوَىٰ وَدَرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ وَجُنَّتُهُ الْوَثِيقَةُ (نهج البلاغه، خطبه ۲۷)؛

• همانا جهاد یکی از درهای بهشت است که خداوند آن را برای اولیای خاص خود گشوده است. جهاد، جامه تقوا و زره استوار خداوند و سپر محکم اوست.

◆ امام حسین (علیه السلام): قَالَ فِي مَسِيرِهِ إِلَى كَرْبَلَاءَ فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَرَمًا (تحف العقول، ص ۲۴۵)؛

• در مسیر خود به کربلا فرمود: راستی که من مرگ را جز سعادت و زندگی در میان ستمگران را جز رنج و دل‌تنگی نمی‌دانم.

◆ مِنْ كَلَامِهِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ: أَلَا وَإِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَّزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السُّلَّةِ وَالدِّلَّةِ وَهِيَهَاتَ مِمَّا الدِّلَّةُ يَأْبَى اللَّهُ ذَلِكَ لَنَا وَرَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ



حُجُورٌ طَابَتْ وَ طَهَّرَتْ وَ أَنْوَفٌ حَمِيَّةٌ وَ نُفُوسٌ أَبْيَّةٌ مِنْ أَنْ تُؤْثِرَ طَاعَةَ اللِّثَامِ
عَلَى مَصَارِعِ الْكِرَامِ (اللهوف، ص ۹۷)

• امام حسین علیه السلام. در بخشی از سخنانش در روز عاشورا. فرمود: هان ! این حرام زاده پسر حرام زاده مرا میان دو چیز مخیر کرده است: میان شمشیر و تن دادن به خواری. و هیاهات که ما تن به ذلت و خواری دهیم. خدا و رسول او و مؤمنان و دامن های پاک و مطهر [ی که ما در آن پرورش یافته ایم] و دل های غیرتمند و جان های بزرگ منش، این را بر ما نمی پذیرند که فرمان بری از فرومایگان را بر مرگ شرافتمندانه ترجیح دهیم.

♦ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: أَفْضَلُ الْجِهَادِ كَلِمَةُ عَدَلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ. أَفْضَلُ الْجِهَادِ كَلِمَةُ حُكْمٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ (کنز العمال، حدیث ۵۵۷۶)؛
• برترین جهاد، سخن عادلانه در برابر پیشوایی ستمگر است. برترین جهاد سخن حق در برابر پیشوای ستمگر است.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

- شجاعی، سید مهدی، پدر عشق و پسر، تهران: کتاب نیستان، ۱۳۹۷.



اربیعین، تجلی محبت و وحدت عبادی و سیاسی در جهان اسلام

پیام: مسیر اربعین، تجلی‌گاه وحدت امت و تبعیت از سیره سیدالشهدا (علیه السلام)

سؤالات اصلی و چالش‌های فکری مخاطب:

- * چرا باید بر پیاده‌روی اربعین این مقدار سرمایه‌گذاری کرد؟
- * چه نسبتی میان اربعین و وحدت مسلمین وجود دارد؟

تبیین موضوع و پیام:

اربعین حسینی، فراتر از یک رویداد مذهبی صرف، به نمادی قدرتمند از محبت عمیق، وحدت عبادی و همبستگی سیاسی در میان مسلمانان جهان تبدیل شده است. این گردهمایی عظیم، جلوه‌ای بی‌نظیر از عشق و ارادت پیروان اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) است. این حرکت جمعی، بیانگر عمق پیوند عاطفی و روحی مؤمنان با آرمان‌های عاشورا و عدالت‌خواهی است که در آن، فارغ از نژاد، ملیت و زبان، همگی در یک مسیر، با یک هدف و با قلبی مملو از محبت گرد هم می‌آیند.

علاوه بر بعد عبادی و عاطفی، اربعین تجلی‌گاه وحدت سیاسی و اجتماعی در جهان اسلام نیز محسوب می‌شود. حضور میلیونی مسلمانان از مذاهب و کشورهای مختلف در این مراسم، نشان‌دهنده ظرفیت عظیم این رویداد در ایجاد انسجام و اتحاد میان امت اسلامی است. این اجتماع عظیم، پیامی آشکار از ایستادگی در برابر ظلم و استکبار و تبعیت از خط امام حسین (علیه السلام) به عنوان الگوی مقاومت و آزادگی است. درواقع، اربعین به بستری برای تقویت روحیه انقلابی، همدلی بین‌المللی و اعلام بیعت مجدد با آرمان‌های اسلامی بدل شده است که می‌تواند نقشی کلیدی در تحرکات سیاسی و اجتماعی جهان اسلام ایفا کند.

مستندات:

♦ سوره مبارکه حج/۳۲: ... وَمَنْ يُعِظْهُمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ



[زیارت اربعین یکی از مصادیق برجسته شعائر الهی]

♦ **سوره مبارکه احزاب/۳۳:** ... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

[عمق‌تر شدن زیارت و صفای بهتر پیاده‌روی با معرفت امام در زیارت و شناخت جایگاه امام در عالم]

♦ **سوره مبارکه صف/۴:** إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنَيَانٌ مَرْصُوصٌ

[پیاده‌روی اربعین نماد دل‌بستگی به امام حسین (علیه السلام) و پیروی از سیره ایشان در ذیل آیه جایگاه مجاهدان در راه خدا]

♦ **امام صادق (علیه السلام):** مَنْ لَمْ يَأْتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ حَتَّى يَمُوتَ كَانَ مُنْتَقَصَ الدِّينِ مُنْتَقَصَ الْإِيمَانِ وَإِنْ دَخَلَ الْجَنَّةَ كَانَ دُونَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الْجَنَّةِ (بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۴)؛

• هر که تا زنده است به زیارت قبر حسین نرود، دین و ایمانش ناقص باشد و اگر به بهشت هم برود، مقامش در آنجا از همه مؤمنان پایین‌تر باشد.

♦ **امام صادق (علیه السلام):** مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ مَا شَاءَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَمَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ (کامل الزیارات، ص ۶۳۶)؛

• هر کس پیاده به نزد قبر حسین برود، خداوند، برای هر قدمش هزار حسنه می‌نویسد و هزار زشت‌کاری را از او می‌زداید و او را هزار درجه، بالا می‌برد.

♦ **امام صادق (علیه السلام):** مَنْ خَرَجَ مِنْ مَنَازِلِهِ يُرِيدُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ إِنْ كَانَ مَا شَاءَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةٍ وَحَطَّ بِهَا عَنْهُ سَيِّئَةٌ حَتَّى إِذَا صَارَ بِالْحَائِرِ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْمُفْلِحِينَ وَإِذَا قَضَى مَنَاسِكَهَ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْفَائِزِينَ حَتَّى إِذَا أَرَادَ الْإِنْصِرَافَ أَتَاهُ مَلَكٌ فَقَالَ لَهُ أَنَا رَسُولُ اللَّهِ رَبُّكَ يُفْرِّقُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ إِسْتَأْنِفَ الْعَمَلِ فَقَدْ غُفِرَ لَكَ مَا مَضَى (تهذيب الأحكام، ج ۶ ص ۴۳ ح ۸۹)؛

• هر کس از خانه‌اش به قصد زیارت حسین بن علی بن ابی‌طالب بیرون



آید، اگر پیاده باشد، خداوند، برای هر گامش حسنه‌ای را می‌نویسد و زشت‌کاری‌ای را از او می‌زداید و چون به حرم حسین رسید، خداوند، او را جزو رستگاران می‌نویسد و چون زیارتش را به پایان برد، خداوند، او را از رهایی‌یافتگان می‌نویسد و چون بخواهد بازگردد، فرشته‌ای نزد او می‌آید و به او می‌گوید: «من، پیام‌آور خدایم. خداوند، به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: عمل، از سر گیر که گذشته‌ات آمرزیده شد.»

♦ امام حسین علیه السلام: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَعِنْدَهُ أَبِي بْنُ كَعْبٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَرْحَباً بِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا زَيْنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَقَالَ لَهُ أَبِي وَكَيْفَ يَكُونُ يَا رَسُولَ اللَّهِ زَيْنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَحَدٌ غَيْرُكَ فَقَالَ لَهُ يَا أَبِي وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ فِي السَّمَاءِ أَكْبَرُ مِنْهُ فِي الْأَرْضِ فَإِنَّهُ مَكْتُوبٌ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ مِصْبَاحٌ هَادٍ وَسَفِينَةٌ نَجَاةٍ (كمال‌الدین، ص ۳۶۵)؛

• بر رسول خدا وارد شدم اُبی بن کعب هم آنجا بود. رسول خدا فرمود: خوش آمدی ای اباعبدالله! ای زیور آسمان‌ها و زمین. اُبی به ایشان عرض کرد: ای رسول خدا! چگونه ممکن است کسی جز شما زیور آسمان‌ها و زمین باشد؟ پیامبر به او فرمود: اُبی، سوگند به آنکه مرا به حق به پیامبری برانگیخت، حسین بن علی در آسمان بزرگ‌تر و باعظمت‌تر از زمین است؛ زیرا در سمت راست عرش نوشته شده است: او چراغ هدایت و کشتی نجات است.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

- فتح‌الله‌نژاد زنگی‌آبادی، هادی، نقش فرهنگی تجمع اربعین حسینی، فصلنامه فرهنگ زیارت، دوره ۹، ۱۳۹۷، شماره ۳۷.





تاریخ زندگی پیامبر گرامی اسلام ﷺ

پیام: زندگی پیامبر، الگویی برای ساخت جامعه‌ای متکی بر ایمان، عدالت و انسانیت

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

- * نقش پیامبر در ایجاد تمدن اسلامی چه بود؟
- * جلوه‌های تلاش و مجاهدت رسول خدا ﷺ برای از بین بردن خوی و خصلت‌های جاهلیت چیست؟

تبیین موضوع و پیام:

خلاصه زندگی پیامبر گرامی اسلام ﷺ و مجاهدت‌های آن حضرت در ایجاد تمدن اسلامی بر اساس کتاب ارزشمند انسان ۲۵۰ ساله بدین صورت است:

بعثت و هدف رسالت

هدف اصلی بعثت پیامبر گرامی اسلام ﷺ: تکمیل مکارم اخلاق و فراگیر کردن فضایل انسانی.

آغاز بعثت: رسول خدا ﷺ پس از چهل سال عبادت و مراقبت اخلاقی، با دریافت نخستین وحی از جانب خداوند در غار حرا به پیامبری برگزیده شد. ویژگی‌های پیامبر گرامی اسلام ﷺ پیش از بعثت: ایشان به سخاوت، عقل و فضایل عالی مشهور بود و جوانمردی و تقوا را پیشه خویش کرده بود. همه دارایی‌اش را برای نیازمندان صرف می‌کرد و به آیات الهی و نشانه‌های خدا نیز عمیقاً می‌نگریست.

سیره مبارزاتی در مکه

مبارزه با جاهلیت: رسول خدا ﷺ در فضایی تاریک از جهل و تعصب، نژادپرستی، ظلم و تبعیض، پرچم دعوت به توحید و عدالت را برافراشت. تحمل رنج و آزار: پیامبر گرامی اسلام ﷺ و یارانش در مکه تحت فشارهای



سخت قرار گرفتند، اما او هرگز از مسیر دعوت، عقب نشینی نکرد و استقامت و پایداری را به نمایش گذاشت.

تربیت نخستین مؤمنان: با تربیت شاگردان وفادار، نخستین سلول‌های امت اسلامی شکل گرفت و این هسته در گذر زمان قوت یافت.

هجرت به مدینه و شالوده‌ریزی نظام اسلامی

هجرت: به سبب فزونی فشار و تهدید، پیامبر گرامی اسلام ﷺ تصمیم به هجرت به یثرب (مدینه) گرفت و با برنامه‌ریزی دقیق توانست این مرحله را با موفقیت پشت سر بگذارد.

تشکیل حکومت اسلامی: با ورود به مدینه، رسول خدا ﷺ ساختار تازه‌ای برای جامعه اسلامی ایجاد کرد، اساس عدالت، اخوت، تعاون و معنویت را پی‌ریزی نمود و مسجد را به عنوان مرکز دینی، اجتماعی و سیاسی جامعه بنیان نهاد.

تقویت پایه‌های حکومت نوپا: پیامبر گرامی اسلام ﷺ با رفتار و گفتار خود، اصول اخوت اسلامی، رفع تبعیض و احقاق حقوق محرومان و مستضعفان را تثبیت کرد.

برقراری پیمان اجتماعی: پیامبر گرامی اسلام ﷺ پیمان نامه‌ای میان مسلمانان و سایر ساکنان مدینه منعقد نمود که بر همزیستی، همکاری و رعایت عدالت تأکید داشت.

مقابله با دشمنان و تثبیت نظام اسلامی

برخورد با مشرکان و یهود: رسول خدا ﷺ با قبایل یهودی که در مدینه ساکن بودند، بر اساس پیمان عمل کرد اما در قبال خیانت‌های آن‌ها، برخورد قاطع نشان داد.

جنگ‌های متعدد: پس از هجرت، جنگ‌های بدر، احد و خندق از مهم‌ترین رخداد‌های نظامی بود که پیامبر گرامی اسلام ﷺ با مدیریت هوشمندانه و ایستادگی، جامعه نوپای اسلامی را از نابودی نجات داد.

برخورد با منافقان: رسول خدا ﷺ با منافقان داخل جامعه اسلامی نیز با هوشمندی برخورد کرد و تلاش کرد وحدت امت و سلامت اجتماعی را حفظ کند.



ماجرای غدیر و ابلاغ ولایت

حادثه غدیر خم: پیامبر گرامی اسلام ﷺ در اواخر عمر، طی واقعه‌ای مهم، امیرالمؤمنین علی علیه السلام را به ولایت و خلافت پس از خود معرفی کرد و اهمیت پیوند جامعه با عترت خود را شرح داد.

ابعاد غدیر: این واقعه هم بعد اعتقادی برای شیعه داشت و هم پیامی فراگیر برای همه مسلمانان؛ هدفش حفظ خط راستین دین، جلوگیری از تحریف و تأکید بر انسان‌سازی بود.

مستندات:

[هدف بعثت و رسالت پیامبر]

◆ **سوره مبارکه آل عمران/۱۶۴:** لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...

[تحمل رنج و پایداری پیامبر در راه دعوت الهی]

◆ **سوره مبارکه احقاف/۳۵:** فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أَوَّلُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ...

[ویژگی‌های پیامبر و جامعه نبوی]

◆ **سوره مبارکه قلم/۴:** وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ

◆ **سوره مبارکه توبه/۱۲۸:** لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ...

◆ **امیرالمؤمنین علی علیه السلام:** أَرْسَلَهُ عَلَى حِينِ فِتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ وَطُولِ هَجْعَةٍ مِنَ الْأُمَمِ وَاعْتِرَافٍ مِنَ الْفِتَنِ وَانْتِشَارٍ مِنَ الْأُمُورِ وَتَلَطُّ مِنَ الْحُرُوبِ [و] الدُّنْيَا كَاسِفَةُ النُّورِ ظَاهِرَةُ الْغُرُورِ عَلَى حِينِ اضْطِرَارٍ مِنْ وَرَقِهَا وَإِيَّاسٍ مِنْ ثَمَرِهَا (نهج البلاغة، خطبه ۸۹)

• او را زمانی فرستاد که روزگارانی بود پیامبری برانگیخته نشده بود و مردم در خوابی طولانی به سر می‌بردند و فتنه‌ها بالاگرفته و کارها پریشان شده بود و آتش جنگ‌ها شعله می‌کشید و دنیا بی‌فروغ و پُر از مکر و فریب گشته، برگ‌های درخت زندگی به زردی گراییده و از به بار نشستن آن قطع امید شده بود.

◆ **المناقب (ابن شهر آشوب):** كان النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَبْلَ الْمَبْعَثِ مَوْصُوفًا



بعشرین خصله من خصال الأنبياء، لو انفرد واحد بأحدها لدلّ على جلاله، فكيف من اجتمعت فيه؟! كان نبياً أميناً، صادقاً، حاذقاً، أصيلاً، نبياً، مكيماً، فصيحاً، نصيحاً، عاقلاً، فاضلاً، عابداً، زاهداً، سخيّاً، كمياً، قانعاً، متواضعاً، حلماً، رحيماً، غيوراً، صبوراً، موافقاً، مرافقاً، لم يخالط منجماً ولا كاهناً ولا عتافاً. (المناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۱۲۳)؛

• پیامبر خدا ﷺ پیش از آنکه مبعوث شود، بیست خصلت از خصلت‌های پیامبران را دارا بود که اگر فردی یکی از آن‌ها را داشته باشد، دلیل بر عظمت اوست، چه رسد به کسی که همه آن‌ها را دارا باشد! آن حضرت پیامبری امین، راست‌گو، ماهر، با اصالت، شریف، والامقام، سخور، خردمند، بافضیلت، عبادت‌پیشه، بی‌اعتنا به دنیا، سخاوتمند، دلیر و جنگاور، قانع، فروتن، بردبار، مهربان، غیرتمند، صبور، سازگار و نرم‌خو بود و با هیچ منجم و کاهن و پیشگویی درنیامیخت.

◆ پیامبر گرامی اسلام ﷺ: ما أُوذِيَ أَحَدٌ مِّثْلَ ما أُوذِيَ في الله (کنز العمال،

حدیث ۵۸۱۸)؛

• هیچ‌کس به اندازه من در راه خدا آزار و اذیت ندیده است.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

- خامنه‌ای، سیدعلی، انسان ۲۵۰ ساله: بیانات مقام معظم رهبری پیرامون زندگی سیاسی مبارزاتی ائمه معصومین ﷺ، تهران: موسسه فرهنگی ایمان جهادی



شخصیت و سیره پیامبر گرامی اسلام ﷺ در آینه قرآن

پیام: اسوه بودن و خلق عظیم رسول خدا ﷺ

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

* مهم‌ترین ویژگی‌ها و اوصاف پیامبر گرامی اسلام ﷺ در قرآن چیست؟

تبیین موضوع و پیام:

رسول خدا ﷺ، در قرآن کریم به عنوان کامل‌ترین نمونه انسانیت و الگوی بی‌نظیر اخلاق و رفتار معرفی شده است که سیره و منش او در جنبه‌های مختلف زندگی، اعم از عبادی، اجتماعی، سیاسی و خانوادگی مورد توجه قرار گرفته و برای همه انسان‌ها، رهنمایی قطعی است. آن حضرت، دارای شخصیتی چندبعدی بود که نشانگر فضایل اخلاقی شگفت‌انگیزی چون رحمت، صبر، تواضع، دلسوزی و عدالت است. قرآن آن حضرت را «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» معرفی می‌کند؛ رحمت وسیعی که دامنه آن، همه انسان‌ها و حتی جهانیان را در برمی‌گیرد و سرچشمه مهربانی و شفقت بی‌همتا نسبت به مؤمنان و حتی دشمنان بود. ایشان با دلسوزی نسبت به امت و توجه به نیازهای مردم، همواره آن‌ها را با حکمت و موعظه حسنه و بدون اجبار به سوی خدا دعوت می‌کرد و در این مسیر طولانی دعوت، سختی‌ها و آزارهای فراوان متحمل شد و با صبر و استقامت مثال‌زدنی، هرگز از مسیر حق و حقانیت دست نکشید.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ علاوه بر پیام‌آوری توحید و عدالت، نمونه برجسته‌ای از اخلاق مدنی و رفتار انسانی بود. در امور روزمره خود بسیار متواضع و ساده‌زیست بود، در کنار مردم می‌نشست، نیازهای آنان را درک می‌کرد و رفتاری صمیمی و برابر با همه داشت. ایشان علاوه بر اقتدار سیاسی و رهبری جامعه اسلامی نوپا، خلقی عظیم داشت که گذشت، عفو و بخشش از ویژگی‌های بارز شخصیتی‌اش بود و برخلاف انتظار کسانی که قدرت را مساوی با تحکم و خشونت می‌دانستند، رسول خدا ﷺ نمونه‌ای از عزت توأم با رحمت و مدارا بود. از دیگر ویژگی‌های مهم ایشان، مشورت‌جویی و مشورت دادن به یاران و بهره‌گیری از دیدگاه‌های مختلف برای اداره امور جامعه اسلامی بود، امری که نشان‌دهنده تدبیر، حکمت و شفافیت او در رهبری بود.



در عرصه‌های جنگی و نظامی، پیامبر گرامی اسلام ﷺ سبک و روشی منطبق با اصول انسانی داشت. او در هیچ جنگی آغازگر نبرد نبود، همواره جانب عدالت را رعایت می‌کرد و به یاران خود دستور می‌داد از کشتار بی‌رحمانه، خیانت و رفتار غیرانسانی با اسیران بپرهیزند و به مادران، کودکان و پیران که در جنگ آسیب‌پذیرتر بودند، آسیب نرسانند. حتی در جنگ‌ها دستور می‌داد از تخریب خانه‌ها و محیط زیست خودداری شود و قبل از هر اقدام نظامی، دشمن را به نصیحت و هدایت دعوت کند.

در بُعد عبادی نیز، پیامبر گرامی اسلام ﷺ نمونه‌ای کامل بود که پیوسته به نماز، دعا و طلب هدایت می‌پرداخت و بر ساده‌زیستی و اخلاص در عبادات تأکید داشت. قرآن به روش زندگی و اخلاق او «أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» می‌گوید و مسلمانان را به پیروی از او فرامی‌خواند.

مستندات:

◆ سوره مبارکه توبه/۱۲۸: لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ

حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ

◆ سوره مبارکه احزاب/۲۱: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا

اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا

◆ سوره مبارکه کهف/۶: فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِن لَّمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا

الْحَدِيثِ أَسَفًا

◆ سوره مبارکه احزاب/۴۵ و ۴۶: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا *

وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِآذِنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا

◆ سوره مبارکه حاقه/۴۱: إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ

◆ سوره مبارکه آل عمران/۱۶۴: لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ

أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ

لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

• سیدکریمی حسینی، سیدعباس، پیامبر اعظم ﷺ در قرآن، قم: پرهیزکار،



سیمای رسول الله ﷺ در نهج البلاغه

پیام: شناخت پیامبر یعنی یادگرفتن راه درست زندگی

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

* آیا سادگی، صداقت و اخلاق پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌تواند نسخه‌ای برای عبور از سردرگمی‌های امروز باشد؟

تبیین موضوع و پیام:

۱. ضرورت شناخت رسول خدا ﷺ و جلوه‌های او در نهج البلاغه

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه بر شناخت پیامبر گرامی اسلام ﷺ به عنوان الگوی کامل انسانی تأکید دارد و قرآن نیز آن حضرت را «اسوه حسنه» معرفی می‌کند. شناخت ابعاد وجودی پیامبر گرامی اسلام ﷺ، نه تنها نیاز حال حاضر است، بلکه لازمه بهره‌مندی از هدایت نبوی است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام، پیامبر عظیم‌الشأن اسلام ﷺ را الگویی کامل برای شناخت پوچی دنیا، راه درست زیستن و محبوب‌ترین بنده نزد خدا می‌داند. او از اصیل‌ترین خاندان و پاک‌ترین ریشه‌ها برخاست و پیشوای تقوا و چراغ هدایت شد که سخن و رفتارش، مرز حق و باطل را روشن می‌ساخت.

۲. زهد و اخلاق نبوی در کلام علوی

ویژگی برجسته پیامبر گرامی اسلام ﷺ در نهج البلاغه، زهد و پارسایی اوست؛ زهدی که از سر شناخت است، نه از روی بی‌نیازی ظاهری. زهد رسول خدا ﷺ در ساده‌زیستی، بی‌اعتنایی به لذت‌های مادی، اهتمام به هدایت مردم و اخلاق نیکو بود.

۳. موفقیت پیامبر گرامی اسلام ﷺ و دعا‌های علوی در حق او

ثمره سیره و تلاش‌های رسول الله ﷺ، تحولی عظیم در جامعه جاهلی آن زمان بود؛ او اختلافات را به وحدت، دشمنی‌ها را به برادری و ذلت را به عزت بدل ساخت. مسلمانان در سایه او به عزت جهانی دست یافتند و نمونه‌های



تربیت شده‌اش چون امیرالمؤمنین علی علیه السلام و یاران باوفایش، گواه موفقیت مکتب او هستند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در دعاهاى خود برای پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، بر رفعت مقام، کمال نور، پذیرش شفاعت و همراهی در نعمت‌های اخروی تأکید دارد و آرزو می‌کند که خود و امت اسلام، در سرای آخرت همراه و هم‌نشین پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله باشند.

مستندات:

♦ **سوره مبارکه احزاب/۲۷:** لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا

♦ **سوره مبارکه توبه/۱۲۸:** لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ

♦ **سوره مبارکه قلم/۴:** وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ

♦ **امیرالمؤمنین علی علیه السلام:** وَلَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ كَافٍ لَّكَ فِي الْأُسْوَةِ وَدَلِيلٌ لَّكَ عَلَى ذِمِّ الدُّنْيَا وَعَيْبِهَا وَكَثْرَةِ مَخَازِيهَا وَمَسَاوِيهَا إِذْ قُبِضَتْ عَنْهُ أَطْرَافُهَا وَوُطِّئَتْ لِعَيْبِهَا أَكْتَافُهَا وَفُطِمَ عَنْ رَضَاعِهَا... (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰)؛

• برای تو کافی است که راه و رسم زندگی رسول خدا را اطاعت نمایی تا رهنمای خوبی برای تو در شناخت بدی‌ها و عیب‌های دنیا و رسوایی‌ها و زشتی‌های آن باشد، چه اینکه دنیا از هر سو بر پیامبر خدا روی‌گردان شده و برای غیر او گسترانده شد و بر لذائذ دنیا چشم بست و از زیورهای آن فاصله گرفت.

♦ **امیرالمؤمنین علی علیه السلام:** فَتَأَسَّ بِبَيْتِكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْلَهْرِ فَإِنَّ فِيهِ أُسْوَةً لِّمَن تَأَتَى وَعَزَاءً لِّمَن تَعَزَّى وَأَحْبُ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمُتَأَتِي بِبَيْتِهِ وَالْمُقْتَصِرُ لِأَثَرِهِ (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰)؛

• به پیامبر خود، آن نیکوترین و پاکیزه‌ترین مردم اقتدا کن که او بهترین مقتداست برای هر کس که به او تأسی جوید و شایسته‌ترین انتساب، انتساب به اوست. نیکوترین بندگان در نزد خدا، بنده‌ای است که به پیامبرش اقتدا کند و از پی او رود.

♦ **امیرالمؤمنین علی علیه السلام:** النَّبِيُّ قَدْ حَقَّرَ الدُّنْيَا وَصَغَّرَهَا وَأَهْوَنَ بِهَا وَهَوَّنَهَا وَعَلِمَ أَنَّ



اللَّهُ زَوَّاهَا عَنْهُ اخْتِيَاراً وَبَسَطَهَا لِعَيْبِهِ اخْتِقَاراً فَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا بِقَلْبِهِ وَأَمَاتَ ذِكْرَهَا [مِنْ] عَنْ نَفْسِهِ وَأَحَبَّ أَنْ تَغِيبَ زِينَتُهَا عَنْ عَيْنِهِ لِكَيْلَا يَتَّخِذَ مِنْهَا رِيَاشاً أَوْ يَرْجُو فِيهَا مَقَاماً (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹)؛

• نبی مکرم دنیا را کوچک و در چشم دیگران آن را ناچیز جلوه داد (تا مردم به دنبال زهد واقعی باشند و لذا) آن را خوار می‌شمرد و در نزد دیگران (نیز) خوار و بی‌مقدار معرفی فرمود. (و می‌دانست که خداوند برای احترام به ارزش آن حضرت دنیا را از او دور ساخت) و آن را برای ناچیز بودنش به دیگران بخشید. پس (پیامبر زهد انتخابی داشت و) از دل و جان به دنیا پشت کرد و یاد آن را در دلش میراند.

♦ امیرالمؤمنین علی علیه السلام: كَانَ أَجُودَ النَّاسِ كَفًّا وَآجَرُ النَّاسِ صَدْرًا وَأَصْدَقُ النَّاسِ هَجَةً وَأَوْفَاهُمْ ذِمَّةً وَالْيَنَّهُمْ عَرِيكَةً وَآكْرَمَهُمْ عِشْرَةً وَمَنْ رَأَى بَدِيهَةً هَابَةً وَمَنْ خَالَطَهُ فَعَرَفَهُ أَحَبَّهُ لَمْ أَزَقْبَلُهُ وَلَا بَعْدَهُ مِثْلَهُ (مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۵۱)؛

• (رسول خدا) سخاوتمندترین، شجاع‌ترین و راست‌گوترین مردم، وفادارترین انسان نسبت به وعده، نرم‌ترین (انسان) از نظر خوی و کریم‌ترین مردم در برخورد و معاشرت بود و هرکس در ابتدا او را می‌دید، از او دوری می‌کرد (ولی) هرکس با او همراه می‌شد و او را می‌شناخت (به او علاقه‌مند می‌شد) و سخت به او محبت می‌ورزید، به‌گونه‌ای که مثل او قبل از آن و بعد از آن ندیده بود.

♦ امیرالمؤمنین علی علیه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ أَصْبَرُ عَلَى أَوْزَارِ النَّاسِ (مکارم الاخلاق،

ج ۱، ص ۵۳)؛

• رسول خدا بردبارترین انسان بر وزر و وبال مردم بود.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

• زهدات، عبدالمجید، سیمای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نهج البلاغه، مشهد:

انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۹۲.



سیره سیاسی رسول خدا ﷺ

پیام: سیاست نبوی، ابزار برپایی عدالت و کرامت انسان، نه سلطه جویی

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

* آیا پیامبر گرامی اسلام ﷺ صرفاً به تبلیغ دین پرداخته و یک سری احکام آورده است یا اینکه علاوه بر آن درصدد تأسیس حکومت بوده است؟

تبیین موضوع و پیام:

اولین کاری که پیامبر ﷺ پس از ورود به مدینه کرد، تشکیل قدرت سیاسی و اجتماعی بود؛ بنابراین حکومت یکی از لوازم کار نبوت است. (مقام معظم رهبری، سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۹/۰۱/۰۳)

سیره سیاسی پیامبر گرامی اسلام ﷺ، نمونه‌ای تمام‌عیار از حکمرانی الهی بود که بر پایه عدالت، اخلاق و عقلانیت شکل گرفت. ایشان پس از هجرت به مدینه، حکومتی دینی با ساختاری روشن و اجتماعی بنیان نهاد که اصولی همچون مسئولیت‌پذیری، مشارکت مردم و قانون‌گرایی در آن جایگاه ویژه داشت. پیامبر گرامی اسلام ﷺ با نهادهای سازنده اصل مشورت و راه‌اندازی نهادهایی مانند مسجد و نظام قضایی، اثبات کرد که رهبری دینی، همراه با نظم، برنامه‌ریزی و سامان‌دهی سیاسی است، نه صرفاً محدود به دعوت معنوی.

هدف رسول خدا ﷺ از این حکومت، دستیابی به قدرت یا سلطه نبود، بلکه اقامه قسط، حفظ کرامت انسان و ساخت جامعه‌ای اخلاق‌مدار بود. رفتار شخصی ایشان نیز بر پایه فروتنی، عدالت، مدارا و انصاف استوار بود. در نگاه ایشان، سیاست ابزاری برای هدایت و تعالی انسان‌ها محسوب می‌شد، نه هدفی مستقل. از همین رو، نه سلطنت کرد و نه استبداد ورزید، بلکه الگویی نو از رهبری دینی بر پایه اخلاق، معنویت و خدمت به مردم ارائه داد.

تبلیغ دین در سیره سیاسی پیامبر گرامی اسلام ﷺ، با صبر، تدریج



و عقلانیت همراه بود و هرگز با تحمیل و اجبار آمیخته نشد. ایشان با رعایت حقوق اقلیت‌ها، پذیرش تفاوت‌ها و ایجاد همزیستی با پیروان دیگر ادیان، نشان داد که دین و سیاست می‌توانند در خدمت رشد انسان قرار گیرند، نه در تضاد با آن. حکومت او نه صرفاً یک ساختار سیاسی، بلکه مدرسه‌ای برای پرورش انسان‌هایی باایمان، مسئول و بافضیلت بود.

مستندات:

- ◆ **سوره مبارکه نساء/۱۰۵:** إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا
- ◆ **سوره مبارکه توبه/۱۲۰:** مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ...
- ◆ **سوره مبارکه انفال/۶۷:** وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ...
- ◆ **سوره مبارکه احزاب/۳۶:** وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُمْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ...

اقدامات پیامبر گرامی اسلام ﷺ برای ایجاد نظام سیاسی

رسول خدا ﷺ پس از آزار و اذیت قریش و مشرکین، ناچار از مکه به مدینه مهاجرت کرد؛ زیرا در مدینه فضای مناسبی برای ابلاغ رسالت خویش داشت. اولین اقدام ایشان که قبل از ورود به مدینه بود، برقراری پیمان عقبه اول و دوم و تعیین نقبا (الاستیعاب، ج ۱، ص ۴۱)؛ الاستیعاب، ج ۱، ص ۸۰) و بین اوس و خزرج بود؛ محتوای پیمان عقبه دوم، سیاسی و اجتماعی بود و در مقابل این پیمان نامه، آنان تعهد کردند پیامبر خدا ﷺ را در مقابل دشمنان یاری نموده و از او حمایت کنند. پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: «خون من، خون شما و حرمت من، حرمت شماست، من از شما می‌م‌پسندم و شما از من هستید، با هر که با شما بجنگد، می‌جنگم و با هر که با شما بسازد، می‌سازم». (دلائل النبوه، ج ۲، ص ۴۴۷)

تأسیس مسجد النبی (البدایه و النهایه، ص ۲۱۴) اقدام دیگر پیامبر خدا ﷺ پس از ورود به مدینه است. (الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۳۶۴) پیامبر گرامی اسلام ﷺ به خوبی می‌دانست برای ایجاد حکومت نظام‌مند، می‌بایست بین قبایل اتحاد ایجاد کند. از همین رو با برقراری عقد اخوت میان مهاجر و انصار (السیره النبویه،



ج ۱، ص ۵۰۴) به اختلافات قبیله‌ای پایان دارد. در همین راستا اقدام بعدی ایشان پیمان نامه عمومی است (البدایه و النهایه، ج ۳، ص ۲۷۴) که می‌توان آن را به عنوان قانون اساسی مدینه هم نامید. (نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی پیامبر ﷺ اسناد صدر اسلام، ص ۲۵۰)

[قلمرو و مرز حکومتی]

یکی از نخستین و اساسی‌ترین شاخصه‌های شکل‌گیری یک حکومت، داشتن قلمرو و سرزمین مشخص است. بر همین اساس، پیامبر خدا ﷺ در پیمان عمومی مدینه، حدود قلمرو حکومت اسلامی را نیز تعیین فرمودند. یکی از بندهای این پیمان، شهر مدینه و مناطق پیرامونی آن به عنوان «حرم» معرفی شده است که باید مورد حمایت و دفاع همه طرف‌های پیمان قرار گیرد. در متن پیمان آمده است:

«یثرب برای اهل این صحیفه منطقه‌ای امن و حرم محسوب می‌شود.» (السیره النبویه، ج ۱، ص ۵۰۴)

• همچنین از کعب بن مالک نقل شده است:

«پیامبر خدا مرا مأمور کرد تا بر قله‌های کوه‌های مخیض، الحیفاء، ذوالعشیره و تیم. که پیرامون مدینه قرار دارند. علامت‌گذاری کنم.» (وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی، ج ۱، ص ۸۱) در ادامه، با اقداماتی مانند صلح حدیبیه، فتح مکه و گسترش اسلام، مرزهای جغرافیایی حکومت اسلامی توسعه یافت و پیامبر گرامی اسلام ﷺ برای اداره مناطق مختلف، کارگزاری همچون والی، قاضی و مأموران اجرایی به نواحی مختلف اعزام فرمودند.

[کارگزاران]

رسول خدا ﷺ پس از گسترش قلمرو حکومتی خود، وایانی به مناطق مختلف گسیل داشتند، وظایف و اختیارات افراد را هم مشخص کردند. از جمله این افراد، فرستادن معاذ بن جبل به عنوان والی به یمن بود. (تحف العقول، ص ۲۶) عمرو بن حزم والی نجران شد. (السیره النبویه، ج ۲، ص ۵۹۵) عتاب بن اسید به فرمانداری مکه منصوب شد. (الاصابه، ج ۴، ص ۳۵۶) ابن باذازم والی صنعاء شد. (تاریخ الامم و الملوك، ج ۳، ص ۲۲۸)



در غزوه تبوک، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، در غزوه بدر، ابولبابه بن عبدالمنذر و در غزوه احد هم ابن ام مکتوم جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه شدند. (الاصابه، ج، ص ۴۹۵)

[مردم]

از جمله شاخصه‌های دیگر حکومت مردم هستند. اهل یثرب متشکل از قبایل اوس و خزرج و مهاجرین در کنار اقلیت یهود، نخستین جمعیت متشکل دولت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را تشکیل می‌دادند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تمام اهل یثرب را به عنوان امت واحده معرفی کرد و حقوق و تکالیف هر کدام از گروه‌ها را بیان فرمودند و غیرمسلمانان از آنجاکه تحت حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار می‌گرفتند، باید به این پیمان‌نامه و قوانین آن متعهد شوند.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

- جمعی از محققین، سیره سیاسی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم، مشهد: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.



عبادت و بندگی پیامبر گرامی اسلام ﷺ

پیام: هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ / از یمن دعای شب و ورد
سحری بود

سوالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

* دلیل آن همه استغفار رسول خدا ﷺ در عباداتشان چه بود؟ مگر ایشان
گناه مرتکب می‌شدند؟

تبیین موضوع و پیام:

از منظر قرآن، مقام عبودیت، بارزترین ویژگی پیامبران الهی است که خداوند
متعال با این امتیاز، از آنان نام می‌برد. مقام عبودیت در کلام وحی، بزرگ‌ترین
برای امتیاز انبیای بزرگ الهی است و اساساً مهم‌ترین ویژگی رسول خدا ﷺ
که قرآن بر آن تأکید دارد، مقام عبودیت و بندگی مطلق آن حضرت است که
مناجات، دعاها و شب‌زنده‌داری‌های او، نمود و جلوه‌ای از این ویژگی است.
تمایل خاتم انبیاء ﷺ به عبادت‌های سحری، رمز موفقیت آن حضرت در
صحنه‌های مختلف زندگی و مبارزه با دشمنان بود. گریه‌های شبانه، بیتوته‌های
غار حرا، تفکر در صنع الهی و خلقت آسمان‌ها و زمین و نظاره کردن جمال و
جلال الهی با چشم دل، وجود رسول خاتم ﷺ را برای نزول وحی آماده کرده
بود.

عبد، یعنی تسلیم اراده و حکم خدا و شریعت الهی. لب تمام دستورات و
احکام و فرامین الهی و شرایع انبیاء، همین یک کلمه است و شاید پیامبران
خدا ﷺ، قبل از آن که مقام نبوت برای آن‌ها انتخاب بشود و خدای متعال
آن‌ها را به نبوت سرافراز کند، به عبودیت سرافراز کرده باشد؛ همچنان که حتماً
همین‌طور است. در یک روایت است که «إِنَّ اللَّهَ إِتَّخَذَ مُحَمَّدًا عَبْدًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ
رَسُولًا». اول، خدای متعال او را خلعت عبودیت پوشانید و بعد، به مرحله و رتبه
نبوت فائز کرد. کأنه این، در هر تعالی‌یی مقدمه لازم و شرط اصلی است. در
هراندازه تکاملی، عبودیت، شرط اصلی است. البته، عبودیت هم مراحل دارد.



آن مرحله پایین عبودیت، آن چنانی که امثال ماها بتوانیم در آن طمع بورزیم، همین است. (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۶۹/۲/۰۷)

مستندات:

♦ **سوره مبارکه مزمل ۱/ تا ۸:** يَا أَيُّهَا الْمَرْمُلُ * قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا * نَضْفَهُ أَوْ انْقُضْ مِنْهُ قَلِيلًا * أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا * إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا * إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَظَنًا وَأَقْوَمُ قِيلًا * إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا * وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَتْتِيلًا

علامه طباطبایی در تفسیر این آیات می‌فرماید: «قرآن کریم، کلام الهی است و از حیث فهم معنایش ثقیل است و پیامبر ﷺ آن را از ساحت عظمت و کبرایی حق گرفته است و این کلام پاک را جز نفوس پاک و مطهر از هر پلیدی نمی‌فهمند. همچنین اجرای پیام‌های حیات‌بخش قرآن نیز در جامعه [انسانی که با خرافه و جهل عجین شده] امری سنگین و دشوار است و با موانع بسیاری روبه‌رو است. به همین سبب، خداوند می‌فرماید: «ما این قرآن را که سخن ثقیلی است بر تو القا می‌کنیم» و [چون] دریافتن این کلام بلند و متعالی نیاز به روحی بلند و دلی پاک و مطهر دارد و تفکر و مناجات و شب‌زنده‌داری و خلوت با خدای عالمیان می‌تواند چنین آمادگی را ایجاد کند، به همین جهت می‌فرماید: «قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا نَضْفَهُ أَوْ انْقُضْ مِنْهُ قَلِيلًا أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا»؛ «در شب [برای تهجد] به پا خیز؛ مگر اندکی از شب را. نیمی از شب را، یا کمی از آن کم کن یا بر نصف بیفزای و قرآن را شمرده شمرده و با تأمل بخوان.» خداوند متعال در این آیات برای اینکه پیامبر ﷺ پیام و حیانی خدا را دریافت و به اصلاح جامعه قیام کند، نخست، دستور سحرخیزی و عبادت شبانه می‌دهد.

♦ **سوره مبارکه اسراء / ۷۹:** وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا

♦ **سوره مبارکه زمر/ ۲:** إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ بِالْحَقِّ فَاغْبِذْ اللَّهَ مَخْلَصًا لَهُ الدِّينَ

پیامبر ﷺ با آن مقام و با آن شأن و عظمت، از عبادت خود غافل نمی‌شد؛ نیمه شب می‌گریست و دعا و استغفار می‌کرد. ام‌سلمه یک شب دید پیامبر ﷺ نیست؛ رفت دید مشغول دعا کردن است و اشک می‌ریزد و استغفار می‌کند و عرض می‌کند: «اللَّهُمَّ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي ظَرْفَةً عَيْنٍ أَبَدًا». ام‌سلمه گریه‌اش



گرفت. پیامبر ﷺ از گریه‌ی او برگشت و گفت: این جا چه می‌کنی؟ عرض کرد: یا رسول‌الله! تو که خدای متعال این قدر عزیزت می‌دارد و گناهانت را آمرزیده است . «لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ» - چرا گریه می‌کنی و می‌گویی خدایا ما را به خودمان وانگذار؟ فرمود: «وَمَا يُؤْمِنُ»؛ اگر از خدا غافل بشوم، چه چیزی من را نگه خواهد داشت؟ این برای ما درس است. در روز عزت، در روز ذلت، در روز سختی، در روز راحتی، در روزی که دشمن انسان را محاصره کرده است، در روزی که دشمن با همه عظمت، خودش را بر چشم و وجود انسان تحمیل می‌کند و در همهی حالات خدا را به یاد داشتن، خدا را فراموش نکردن، به خدا تکیه کردن، از خدا خواستن؛ این، آن درس بزرگ پیامبر ﷺ به ماست. (مقام معظم رهبری، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۰/۰۷/۰۵)

شعر

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ از یمن دعای شب و ورد سحری بود

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

- عزیزی، عباس، نماز و عبادت پیامبر ﷺ، قم: صلاة، ۱۳۸۵.



اهمیت نماز در سیره و سبک زندگی نبوی

پیام: نماز مایه برکت، آرامش و ارتقای معنویت و بندگی

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

- * چگونه نماز باعث آرامش روح و روان می‌گردد؟
- * در احادیث بسیاری، اهتمام به نماز سبب افزایش رزق و برکت برشمرده شده است. چه ربطی میان افزایش روزی با نماز وجود دارد؟

تبیین موضوع و پیام:

نماز، محور اصلی ارتباط با خدا و زیربنای تمام عبادات و رفتارهای دینی در سیره و سبک زندگی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است. از منظر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، نماز نه تنها یک وظیفه شرعی بلکه مایه آرامش روحی و تجدید قوا بود؛ همچنان که آن حضرت نماز را نور چشم خود دانسته است.

یکی از ویژگی‌های بارز نماز در سیره نبوی، اهتمام به اقامه آن در اول وقت است. این نظم و انضباط در اقامه نماز، نشان‌دهنده اهمیت زمان‌شناسی و توجه به حق الله در زندگی مسلمان است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن را سرلوحه زندگی قرار داده است.

نماز در سیره رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، نقش تربیتی و اجتماعی نیز داشت. ایشان با اقامه نماز جماعت و حفظ نظم صفوف، وحدت و انسجام جامعه اسلامی را تقویت می‌کردند و به مؤمنان می‌آموختند که نماز علاوه بر ارتباط فردی با خدا، عامل پیوند و همبستگی اجتماعی است. همچنین، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در شرایط سخت و حتی در هنگام غم و اندوه، به نماز پناه می‌بردند و آن را مایه آرامش دل و تسکین خاطر می‌دانستند. این موضوع نشان می‌دهد که نماز در سبک زندگی نبوی، علاوه بر بعد عبادی، نقش مهمی در سلامت روان و استحکام اخلاقی داشت.

از سوی دیگر، نماز در سیره نبوی به عنوان شاخصی برای تمایز مؤمن از کافر و منافق مطرح شده است. این موضوع بیانگر آن است که نماز، علاوه بر



عبادت، یک معیار اخلاقی و اجتماعی است که شخصیت و ایمان واقعی فرد را نمایان می‌سازد و به عنوان «ستون دین» شناخته می‌شود.

مستندات:

- ◆ سوره مبارکه مؤمنون/۹: وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ
- ◆ سوره مبارکه بقره/۳: الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

◆ سوره مبارکه عنکبوت/۴۵: أَتُلُّ مَا أَوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ

◆ پیامبر گرامی اسلام ﷺ: مَثَلُ الصَّلَاةِ مَثَلُ عَمُودِ الْفُسْطَاطِ إِذَا ثَبَتَ الْعَمُودُ نَفَعَتِ الْأُتُنَابُ وَالْأَوْتَادُ وَالْغِشَاءُ وَإِذَا انْكَسَرَ الْعَمُودُ لَمْ يَنْفَعِ طُنْبٌ وَلَا وَتْدٌ وَلَا غِشَاءٌ (الكافي، ج ۳، ص ۲۶۶)؛

• مثل نماز، مثل ستون خیمه است؛ اگر ستون محکم باشد، طناب‌ها و میخ‌ها و چادر کارایی دارند، اما اگر ستون بشکند، نه طنابی به کار می‌آید و نه میخی و نه چادری.

◆ پیامبر گرامی اسلام ﷺ: الصَّلَاةُ مِنْ شَرَائِعِ الدِّينِ وَفِيهَا مَرْضَاةُ الرَّبِّ عَزَّ وَجَلَّ وَهِيَ مِنْهَا جُزْءٌ الْأَنْبِيَاءُ وَلِلْمُصَلِّي حُبُّ الْمَلَائِكَةِ وَهُدًى وَإِيمَانٌ وَثُبُورُ الْمَعْرِفَةِ وَبَرَكَهٌ فِي الرِّزْقِ وَزَاوَةٌ لِلْبَدَنِ وَكَرَاهَةٌ لِلشَّيْطَانِ وَسِلَاحٌ عَلَى الْكَافِرِ وَاجَابَةٌ لِلدَّعَاءِ وَقَبُولٌ لِلْأَعْمَالِ وَزَادَ لِلْمُؤْمِنِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ وَشَفِيعٌ بَيْنَهُ وَبَيْنَ مَلِكِ الْمَوْتِ وَأَنْتَسُ فِي قَبْرِهِ وَفِرَاشٌ تَحْتَ جَنْبِهِ وَجَوَابٌ لِلْمُنْكَرِ وَتَكْبِيرٌ وَتَكُونُ صَلَاةُ الْعَبْدِ عِنْدَ الْمُخْشَرِ تَاجًا عَلَى رَأْسِهِ وَثُورًا عَلَى وَجْهِهِ وَلِبَاسًا عَلَى بَدَنِهِ وَسِرًّا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ وَحُجَّةً بَيْنَهُ وَبَيْنَ الرَّبِّ جَلَّ جَلَالُهُ وَنَجَاةً لِبَدَنِهِ مِنَ النَّارِ وَجَوَازًا عَلَى الصِّرَاطِ وَمِفْتَاحًا لِلْجَنَّةِ وَمُهِورًا لِحُجُورِ الْعَيْنِ وَثَمَنًا لِلْجَنَّةِ بِالصَّلَاةِ يَنْلُغُ الْعَبْدُ إِلَى الدَّرَجَةِ الْأَعْلَى لِأَنَّ الصَّلَاةَ تَسْبِيحٌ وَتَهْلِيلٌ وَتَحْمِيدٌ وَتَكْبِيرٌ وَتَعْجِيدٌ وَتَقْدِيسٌ وَقَوْلٌ وَدَعْوَةٌ (الحصائل، ص ۵۲۲)؛

• نماز از راه‌های بندگی در دین است و رضای پروردگار عزوجل در آن است و آن راه و رسم انبیا است و نمازگزار را دوستی فرشتگان و هدایت و ایمان و روشنایی شناسایی حق و برکت در روزی و آسایش تن و



ناخوشی شیطان و اسلحه علیه کافر و مستجاب شدن دعا و پذیرش اعمال نصیب می‌شود. توشه مؤمن در دنیا و آخرت و شفیع میان او و فرشته مرگ و آرام دلش در گور و بستر زیر پهلویش و پاسخ منکر و نکیر نماز است. در روز رستاخیز نماز بنده تاجی است بر سر او و نوری است بر روی او و جامه‌ای است بر تن او و پرده‌ای است میان او و آتش و حجتی است میان او و پروردگار جل جلاله و باعث رهایی تن او است از دوزخ و سبب گذشتن او است از پل صراط و کلید بهشت است و اتاقک حوریان بهشتی است و بهای بهشت است. به وسیله نماز، بنده به بالاترین درجه می‌رسد، زیرا نماز یاد کردن خدا است به پاکی و یگانگی و سپاس و بزرگداشت و آقایی و پاکیزگی و گفتگو با خدا و دعا نمودن است.

♦ پیامبر گرامی اسلام ﷺ: جَعَلَ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاهُ فُرَّةً عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ وَحَبَبَ إِلَيَّ الصَّلَاةَ كَمَا حَبَبَ إِلَيَّ الْجَنَائِعَ الطَّعَامَ وَإِلَى الظَّمَانِ الْمَاءَ وَإِنَّ الْجَنَائِعَ إِذَا أَكَلَ شَبِعَ وَإِنَّ الظَّمَانَ إِذَا شَرِبَ رَوِيَ وَأَنَا لَا أَشْبِعُ مِنَ الصَّلَاةِ (مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۳۶۶)؛

- خداوند بلندمرتبه، نور دیده مرا در نماز قرار داد و نماز را محبوب من گردانید، همچنان که غذا را محبوب گرسنه و آب را محبوب تشنه. [با این تفاوت که] گرسنه هرگاه غذا بخورد، سیر می‌شود و تشنه هرگاه آب بنوشد، سیراب می‌شود، اما من از نماز سیر نمی‌شوم.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

- عزیزی، عباس، نماز و عبادت پیامبر ﷺ، قم: صلاة، ۱۳۸۵.



خوش خلقی در سیره و سخن پیامبر گرامی اسلام ﷺ

پیام: حسن خلق، شاخص ترین ویژگی اخلاقی رسول خدا ﷺ

سؤالات اساسی و چالش های فکری مخاطب:

* آیا این تناقض نیست که قرآن از یک طرف می فرماید با کفار با غلظت و شدت برخورد کنید و از سوی دیگر، به خوش رفتاری با همگان دعوت نموده و این خوش خلقی را مهم ترین ویژگی پیامبر برشمرده است؟

تبیین موضوع و پیام:

دین مقدس اسلام، همواره پیروان خود را به نرم خوئی و ملایمت در رفتار با دیگران دعوت می کند و آنان را از درشتی و تندخویی باز می دارد. قرآن کریم در ستایش پیامبر گرامی اسلام ﷺ می فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ». حسن خلق و گشاده رویی از بارزترین صفاتی است که در معاشرت های اجتماعی باعث نفوذ محبت شده و در تأثیر سخن، اثری شگفت انگیز دارد. به همین جهت خدای متعال، پیامبران و سفیران خود را انسان هایی مهربان و نرم خو قرار داد تا بهتر بتوانند در مردم اثر گذارند و آنان را به سوی خود جذب نمایند. ایشان برای تحقق بخشیدن به اهداف الهی خود با برخورداری از حسن خلق و شرح صدر، چنان با ملایمت و گشاده رویی با مردم روبرو می شدند که نه تنها هر انسان را به آسانی شیفته خود می ساختند بلکه گاهی دشمنان را نیز شرمنده و منقلب می کردند.

مصادق کامل این فضیلت، وجود مقدس رسول گرامی اسلام ﷺ است. قرآن کریم، این مزیت گران بهای اخلاقی را عنایتی بزرگ از سوی ذات مقدس خداوند دانسته است.

بسیار اتفاق می افتاد که افراد با قصد دشمنی و به عنوان اهانت و اذیت به حضور ایشان می رفتند ولی در مراجعت مشاهده می شد که نه تنها اهانت نکرده اند بلکه با کمال صمیمیت اسلام را پذیرفته و پس از آن، رسول خدا ﷺ محبوب ترین فرد در نزد آنان به شمار می رفت.



ارزشی که اسلام برای انسان خوش رفتار قائل است، تنها به مؤمنان محدود نمی‌شود بلکه غیر مؤمن نیز اگر این فضیلت را دارا باشد، از مزایای ارزشی آن بهره‌مند می‌شود.

مستندات:

♦ **سوره مبارکه آل عمران/۱۵۹:** فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ...

♦ **سوره مبارکه قلم/۴:** وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ

♦ **سوره مبارکه رعد/۲۳:** وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَٰئِكَ هُمُ عِبْدِي الدَّارِ

♦ **پیامبر گرامی اسلام ﷺ:** أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا (امالی طوسی، ص ۱۴۰)

• کامل‌ترین مؤمنان از نظر ایمان کسی است که اخلاقش نیکوتر باشد.

♦ **پیامبر گرامی اسلام ﷺ:** أَفَاضِلُكُمْ أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا الْمُؤْتَظُّونَ أَكْثَفًا الَّذِينَ يَأْلَفُونَ وَيُؤْلَفُونَ (کافی، ج ۲، ص ۱۰۲)

• برترین شما، نیکوکارترین شما از نظر اخلاق است، آنان که خود را آماده خدمت کرده و با دیگران با الفت و محبت زندگی می‌کنند.

♦ **پیامبر گرامی اسلام ﷺ:** إِنَّ الْعَبْدَ لَيَبْلُغُ بِحُسْنِ خُلُقِهِ عَظِيمَ دَرَجَاتِ الْآخِرَةِ وَ شَرَفِ الْمَنَازِلِ وَإِنَّهُ لَضَعِيفُ الْعِبَادَةِ (المعجم الكبير، ج ۱، ص ۲۶۰)

• بنده، هرچند در عبادت ضعیف باشد، با اخلاق نیک خود در آخرت به درجات بزرگ و منزلت‌های والایی دست می‌یابد.

در سال نهم هجرت هنگامی که قبیله سرکش «طی» بر اثر حمله قهرمانانه سپاه اسلام شکست خوردند، عدی بن حاتم که از سرشناسان این قبیله بود به شام گریخت، ولی خواهر او که «سفانه» نام داشت به اسارت سپاه اسلام درآمد. سفانه را همراه سایر اسیران به مدینه آوردند و آنان را در نزدیک در مسجد در خانه‌ای جای دادند، روزی رسول خدا ﷺ از آن اسیران دیدن کرد، سفانه از موقعیت استفاده کرده و گفت: «یا محمد هلك الوالد و غاب الوافد فان رایت ان تخیل عنی ولا تشمت بی احیاء العرب



فان ابی کان یفک العانی و یحفظ الجار و یطعم الطعام و یتغشی السلام و یعین علی نوائب الدهر؛ ای محمد! پدرم (حاتم) از دنیا رفت و نگهبان و سرپرستم (عدی) ناپدید شد و فرار کرد، اگر صلاح بدانی مرا آزاد کن و شتمات و بدگویی قبیله‌های عرب‌ها را از من دور ساز، همانا پدرم (حاتم) بردگان را آزاد می‌ساخت، از همسایگان نگهبانی می‌نمود و به مردم غذا می‌رسانید و آشکارا سلام می‌کرد و در حوادث تلخ روزگار، مردم را یاری می‌نمود.» پیامبر گرامی اسلام ﷺ که به ارزش‌های اخلاقی، احترام شایان می‌نمود، به سفاهه فرمود: «یا جارية هذه صفة المؤمنین حقاً لو کان ابوک مسلماً لترحمنا علیه؛ ای دختر! این ویژگی‌هایی که برشمردی، از صفات مؤمنان راستین است، اگر پدرت مسلمان بود، ما او را مورد لطف و رحمت قرار می‌دادیم.» آنگاه پیامبر ﷺ به مسؤولین امر فرمود: «خَلُّوا عَنْهَا فَإِنَّ أَبَاهَا كَانَ يُحِبُّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ این دختر را به پاس احترامی که پدرش به ارزش‌های اخلاقی می‌نمود، آزاد سازید.» آنگاه پیامبر ﷺ لباس نو به او پوشانید و هزینه سفر به شام را در اختیار او گذاشت و او را همراه افراد مورد اطمینان به شام نزد برادرش رهسپار کرد. (زهرالربع، ص ۹۸)

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

- جوادی آملی، عبدالله، پیامبر رحمت ﷺ، قم: اسراء، ۱۳۹۶.



پیامبر گرامی اسلام ﷺ؛ الگوی الفت و مهربانی در خانواده

پیام: محبت و همکاری در خانه، شاخص سیره نبوی در محیط خانه

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

- * مگر رسول خدا ﷺ کارهای درون خانه را به حضرت زهرا (س) نسپرد، پس چرا مجدداً توصیه فرموده‌اند که مردان هم در محیط خانه به همسرانشان کمک کنند؟
- * آیا این ظلم به مرد نیست که هم بیرون از خانه کار کند و هم در خانه؟
- * آیا محبت کردن و مهربانی در محیط خانه با همسر و فرزندان سبب نمی‌شود مرد اقتدار خود را از دست دهد و همسر و فرزندانش به حرف او عمل نکنند؟

تبیین موضوع و پیام:

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در جایگاه کامل‌ترین انسان و فرستاده خداوند، با رفتار و سخنان خود، بهترین نمونه مهر و الفت در خانواده را به یادگار گذاشت. آن حضرت، اهمیت خانواده را تا آن جا دانست که فرمود: «هیچ بنایی در اسلام محبوب‌تر از ازدواج نزد خداوند بنا نشده است»؛ زیرا این کانون گرم، جایگاه آرامش، رشد و شکوفایی انسان‌هاست. در نگاه رسول خدا ﷺ، خانواده پایگاهی است که باید با محبت، احترام و همدلی استوار گردد و این پیوند مقدس، نه فقط برای رفع نیازهای دنیوی، بلکه برای رسیدن به رضای الهی و تربیت نسل صالح، بنیان نهاده می‌شود.

سیره پیامبر گرامی اسلام ﷺ نشان می‌دهد که او در خانه‌اش مهربان‌ترین فرد بود. در روایتی آمده است که «بهترین شما کسی است که برای خانواده‌اش بهتر باشد و من از همه شما برای خانواده‌ام بهترم». این بیان، گویای آن است که ملاک برتری و فضیلت، شیوه رفتار با همسر و فرزندان است. رسول خدا ﷺ با همکاری در کارهای خانه، دلجویی و نوازش اعضای خانواده، امنیت و محبت را در دل‌هایشان ریشه‌دار می‌کرد و با گفتار نرم و چهره خندان، به آنان احساس



ارزشمندی می‌بخشید. چنین برخوردی، الگویی روشن برای هر پدر، همسر و فرزندی است.

امروزه که روابط خانوادگی در اثر مشکلات اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی گاه سرد و پراسترس شده است، بازگشت به این سیره نبوی می‌تواند درمانی برای فقر عاطفی و تنش‌های درونی خانواده‌ها باشد. وقتی پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: «محبوب‌ترین شما نزد من کسی است که با خانواده‌اش بهتر رفتار کند»، به ما آموخت که هنر زندگی، در محبت و رزق، گذشت و توجه به دل‌های یکدیگر است. پس اگر در زندگی امروز، الگوی محبت و الفت ایشان را نصب‌العین قرار دهیم، بسیاری از کدورت‌ها، گسست‌ها و دل‌زدگی‌ها جای خود را به صفا و آرامشی می‌دهد که یادگار خانه نبوی بود.

مستندات:

♦ سوره مبارکه روم ۲۱/: وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ...

♦ سوره مبارکه نساء ۱۹/: ... وَعَاشِرُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ...

♦ سوره مبارکه احزاب ۲۷/: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...

♦ پیامبر گرامی اسلام ﷺ: خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي مَا أَكْرَمَ النِّسَاءَ إِلَّا كَرِّمَ وَلَا أَهَاتَهُنَّ إِلَّا لُئِمَ (نهج الفصاحه، ح ۱۵۲۰)؛

- بهترین شما کسی است که برای خانواده‌اش بهتر باشد و من از همه شما برای خانواده‌ام بهترم. زنان را گرامی نمی‌دارد، مگر انسان بزرگوار و به آنان اهانت نمی‌کند، مگر شخص پست و بی‌مقدار.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ [در ضمن حدیث حواء]: ... حواء گفت: پس حق زنان بر مردان چیست؟ پیامبر فرمود: «برادرم جبرئیل عليه السلام که پیوسته مرا درباره زنان سفارش می‌کرد، چندان که گمان بردم شوهر، حق ندارد حتی به زن «اف» بگوید، به من خبر داد که ای محمد! از خداوند عزوجل بترسید و با زنان مهربان باشید؛ زیرا آنان نزد شما اسیرند. آنان را از خداوند عزوجل به امانت گرفته‌اید و به فرمان خدا و کتاب او، به عنوان یک وظیفه و سنت و شریعت محمد بن عبد الله، بر خود حلال کرده‌اید. پس بدان



سبب که جسم آنان را حلال خود ساخته‌اید و با بدن هایشان، تماس برقرار می‌سازید و فرزندان شما را در شکم خود حمل می‌کنند، چندان‌که درد زایمان آن‌ها را می‌گیرد [ایشان را بر شما حقی است]. پس با آنان مهربان باشید و دل هایشان را خوش سازید تا با شما بمانند. زنان را ناخوش مدارید و ناراحتشان نگردانید و از آنچه به ایشان داده‌اید، جز با رضایت و اجازه آنان، چیزی برندارید.

♦ پیامبر گرامی اسلام ﷺ: يُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ بِالزَّحْمَةِ فِي أَرْبَعِ مَوَاضِعَ عِنْدَ نُزُولِ الْمُنْظَرِ وَعِنْدَ نَظَرِ الْوَلَدِ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ وَعِنْدَ فَتْحِ بَابِ الْكُعْبَةِ وَعِنْدَ التَّيْكَاحِ (بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۱)؛

• درهای رحمت آسمانی در چهار وقت گشوده می‌شود: اول موقع بارش باران، دوم زمانی که فرزند به چهره پدر و مادرش می‌نگرد. سوم هنگام گشوده شدن در کعبه و چهارم هنگام برپایی مراسم عقد و عروسی.

♦ پیامبر گرامی اسلام ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى الْإِنثَاتِ أَزَافٌ مِنْهُ عَلَى الذَّكُورِ وَمَا مِنْ رَجُلٍ يَدْخُلُ فَرْحَةً عَلَى امْرَأَةٍ يَبْنِيهَا حُرْمَةً إِلَّا فَزَحَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ (کافی، ج ۶، ص ۶)؛

• خداوند تبارک و تعالی به زنان مهربان‌تر از مردان است. هیچ مردی نیست که زنی از محارم خود را خوشحال سازد، مگر این‌که خداوند متعال در روز قیامت او را شادمان گرداند.

♦ امیرالمؤمنین علی علیه السلام: دَخَلَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ وَفَاطِمَةُ جَالِسَةٌ عِنْدَ الْقَدْرِ وَأَنَا أَنْتَقِي الْعَدَسَ قَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ قُلْتُ لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ اسْمَعْ مِنِّي وَمَا أَقُولُ إِلَّا مِنْ أَمْرِ رَبِّي مَا مِنْ رَجُلٍ يُعِينُ امْرَأَتَهُ فِي بَيْتِهَا إِلَّا كَانَ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ عَلَى بَدَنِهِ عِبَادَةٌ سَنَةً. صِيَامُ نَهَارِهَا وَقِيَامُ لَيْلِهَا وَأَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ الثَّوَابِ مِثْلَ مَا أَعْطَاهُ اللَّهُ الصَّابِرِينَ وَدَاوُدَ النَّبِيَّ وَيَعْقُوبَ وَعِيسَى يَا عَلِيُّ مَنْ كَانَ فِي خِدْمَةِ الْعِيَالِ فِي الْبَيْتِ وَلَمْ يَأْتِفْ كَتَبَ اللَّهُ تَعَالَى اسْمَهُ فِي دِيْوَانِ الشُّهَدَاءِ وَكَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ ثَوَابَ أَلْفِ شَهِيدٍ وَكَتَبَ لَهُ بِكُلِّ قَدَمِ ثَوَابِ حَجَّةٍ وَعُمْرَةٍ. وَأَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى بِكُلِّ عِرْقٍ فِي جَسَدِهِ مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ يَا عَلِيُّ سَاعَةً فِي خِدْمَةِ الْعِيَالِ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ أَلْفِ سَنَةٍ وَأَلْفِ حَجٍّ وَأَلْفِ عُمْرَةٍ وَخَيْرٌ مِنْ



عَثِقَ أَلْفَ رَقَبَةٍ وَأَلْفَ غَزْوَةٍ وَأَلْفَ عِبَادَةٍ مَرِيضٍ وَأَلْفَ جُمُعَةٍ وَأَلْفَ جَنَازَةٍ وَأَلْفَ جَائِعٍ يُشْبِعُهُمْ وَأَلْفَ عَارٍ يَكْسُوهُمْ وَأَلْفَ فَرَسٍ يُوجِّهُهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَخَيْرٌ لَهُ مِنْ أَلْفٍ دِينَارٍ يَتَصَدَّقُ عَلَى الْمَسَاكِينِ وَخَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَقْرَأَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَالزَّبُورَ وَالْفُرْقَانَ وَمِنْ أَلْفٍ أَسِيرٍ أَسَرَ فَأَعْتَقَهَا وَخَيْرٌ لَهُ مِنْ أَلْفٍ بَدَنَةٍ يُعْطَى لِلْمَسَاكِينِ وَلَا يُخْرَجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَرَى مَكَانَهُ مِنَ الْجَنَّةِ يَا عَلِيُّ مَنْ لَمْ يَأْتَفْ مِنْ خِدْمَةِ الْعِيَالِ دَخَلَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ يَا عَلِيُّ خِدْمَةُ الْعِيَالِ كَفَّارَةٌ لِلْكَبَائِرِ . وَيُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ وَهُوَ حُورَالْعَيْنِ وَيَزِيدُ فِي الْحَسَنَاتِ وَالذَّرَجَاتِ . يَا عَلِيُّ لَا يَخْدُمُ الْعِيَالُ إِلَّا صِدِّيقٌ أَوْ شَهِيدٌ أَوْ رَجُلٌ يُرِيدُ اللَّهُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (جامع الأخبار، ص ۱۰۳-۱۰۲)؛

• روزی درحالی که فاطمه نزدیک من نشست بود و من عدس پاک می کردم، رسول خدا وارد شدند و فرمودند: ای اباالحسن! عرض کردم لیبیک یا رسول الله! فرمود: آنچه می گویم بشنو، زیرا من هیچ حرفی نمی زنم مگر اینکه به امر پروردگار است:

* مردی که به زن خود در خانه کمک کند، خدا ثواب یک سال عبادتی را که روزها روزه باشد و شب ها به قیام و نماز ایستاده باشد به او می دهد.
* خداوند ثواب صابران و ثواب یعقوب و داود و عیسی را به او عطا خواهد کرد.

* یا علی هر که در خانه در خدمت خانواده خود باشد و آن را ننگ نداند خداوند نام او جزء شهدا می نویسد و ثواب هزار شهید را در هر روز و شب برای او محاسبه می کند.

* برای هر قدمی که برمی دارد ثواب یک حج و عمره می نویسد و به هر رگی که در بدن اوست در بهشت شهری به او عنایت می کند.
* یا علی یک ساعت خدمت کردن در خانه، از عبادت هزارساله و هزار حج و هزار عمره بهتر است.

* خدمت کردن به عیال، از آزاد کردن هزار بنده و هزار جهاد، عبادت هزار بیمار، شرکت در هزار نماز جمعه و هزار تشییع جنازه، سیر کردن هزار گرسنه، پوشاندن هزار برهنه و گرفتن هزار اسیر در راه خدا بهتر است.



- * ثواب خدمت کردن به خانواده از هزار دینار صدقه دادن به درویشان بهتر است.
- * خدمت به عیال از خواندن تورات، انجیل، زبور و قرآن برای او بهتر است و از هزار اسیر که بخرد و آن‌ها را در راه خدا آزاد کند برتر هست.
- * برای او از صدقه دادن هزار شتر به نیازمندان بهتر است.
- * از دنیا بیرون نمی‌رود مگر اینکه جای خود را در بهشت می‌بیند.
- * یا علی هرکسی خدمت کردن به خانواده خود را ننگ نداند، خداوند او را بدون حساب به بهشت داخل می‌کند.
- * یا علی خدمت کردن به عیال، کفاره گناهان کبیره است و غضب پروردگار را فرومی‌نشاند و مهریه او حورالعین است.
- * حسنات و درجات را زیاد می‌کند.
- * یا علی خدمت نمی‌کند عیال خود را مگر کسی که صدیق یا شهید باشد یا مردی که می‌خواهد خدا خیر دنیا و آخرت را به عنایت کند.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

- احمدی، حبیب‌الله، رسول‌الله ﷺ الگوی زندگی، تهران: انتشارات حبیب‌الله احمدی، ۱۳۷۷.



سیره پیامبر گرامی اسلام ﷺ در رفتار با کودکان

پیام: مهربانی به کودکان، سنت پیامبر رحمت ﷺ

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

- * شیوه‌ها و سبک رفتار پیامبر گرامی اسلام ﷺ با کودکان چگونه بود؟
- * دلیل رفتارهای مهربانانه رسول خدا ﷺ با کودکان چه بود؟
- * آیا روحیه و سیره پیامبر گرامی اسلام ﷺ این‌گونه بود یا دلیل و سیاست خاصی برای آن وجود داشت؟

تبیین موضوع و پیام:

در سیره پیامبر گرامی اسلام ﷺ، رفتار با کودکان آمیخته با مهر، احترام و درک دقیق روان کودک بود. ایشان همواره خود را هم‌سطح کودکان قرار می‌داد و با آن‌ها بازی و گفتگو می‌کرد تا بتواند صمیمیتی عمیق برقرار کند. توجه به پاکی فطری و بی‌آلایشی دل کودک، پیامبر گرامی اسلام ﷺ را واداشته بود که با زبان مهربانی و نوازش با کودکان رفتار کند و برآورده ساختن نیازهای عاطفی‌شان را مهم‌ترین وظیفه والدین و مربیان بدانند. او سفارش می‌کرد هرکس کودکی نزد خود دارد، باید کودکانه رفتار کند. آن حضرت، علی‌رغم جایگاه دینی و اجتماعی و سیاسی‌شان نه تنها از هم‌نشینی با آنان ابا نداشت، بلکه با آن‌ها بازی می‌کرد. مهربانی رسول خدا ﷺ با کودکان، تنها به فرزندان و نوه‌هایش محدود نبود، بلکه همه کودکان جامعه را دربر می‌گرفت. ایشان بارها به اصحاب سفارش می‌کرد تا کودکان را در آغوش گیرند، به آنان محبت کنند و حتی هنگام عبور از میان کودکان، خود پیشگام سلام گفتن و غذا دادن به آن‌ها می‌شد. تکریم کودک در سیره نبوی به‌گونه‌ای بود که حتی کودکان خردسال را وارد فضای اجتماعی می‌کرد و هویت و شخصیت آنان را به رسمیت می‌شناخت. پیامبر گرامی اسلام ﷺ سعی می‌کرد با هدایای کوچک، کودکان را شاد کند و هیچ‌وقت سلامت روان و احساسات آن‌ها را با خشونت یا تحقیر خدشه‌دار نکند. از سویی، اگر کودکی به علت سادگی و بی‌تجربگی، رفتاری نامناسب انجام



می‌داد، پیامبر گرامی اسلام ﷺ هرگز با خشونت برخورد نمی‌کرد و حتی یاران را از چنین رفتارهایی باز می‌داشت. محبوبیت و جاذبه رسول خدا ﷺ نزد کودکان چنان بود که در بازگشت از سفر، کودکان به استقبال او می‌آمدند و ایشان برخی را بر مرکب خود سوار می‌کرد و در جمع آنان را مورد توجه و نوازش قرار می‌داد.

در سیره نبوی، اصل بر آن بود که کودک زمینه پرورش و تربیت سالم خود را در بستر محبت، امنیت روانی و شادی بیابد. هیچ‌گاه کودک را به دلیل ویژگی‌های طبیعی‌اش بازخواست یا خرد نمی‌کرد؛ برعکس با ایجاد نشاط، قصه‌گویی، بازی و هدیه، روحیه و حس ارزشمندی آنان را تقویت می‌نمود. پیامبر گرامی اسلام ﷺ با این سبک تربیتی، به خانواده‌ها می‌آموخت که کودک امانت الهی است و برای تربیت درست او باید بر فطرت پاک، احترام و مهربانی تکیه کرد تا بذل اخلاق و انسانیت در وجودش بارور گردد.

مستندات:

- ◆ سوره مبارکه انبیا/۱۰۷: وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ
- ◆ سوره مبارکه آل عمران/۱۵۹: فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ...
- ◆ سوره مبارکه قلم/۴: وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ
- ◆ سوره مبارکه نحل/۵۸ و ۵۹: وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ * يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

محبت رسول خدا ﷺ در حق کودکان تنها منحصر به فرزندان نبود، بلکه مهر و علاقه ایشان شامل نوادگان‌شان هم می‌شد. پیامبر گرامی اسلام ﷺ در حالی که نماز می‌خواندند، امامه، دختر زینب را در آغوش خود گرفته بودند و هرگاه به رکوع می‌رفتند او را به زمین می‌گذاشتند و هرگاه قصد برخاستن می‌نمودند او را دوباره به آغوش می‌گرفتند. (الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۳۲)

- ◆ پیامبر گرامی اسلام ﷺ: أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُعْفَرُ لَكُمْ (بخاری، الانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۵)؛

• به فرزندان خود احترام گذارید و آنان را آداب نیکو بیاموزید تا آمرزیده



شوید.

◆ پیامبر گرامی اسلام ﷺ: اکثروا مِنْ قُبُلَةٍ أَوْلَادُكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبُلَةٍ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ مَسِيرَةَ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ (مکارم الاخلاق، ص ۲۲۰)؛

- فرزندان خود را بسیار ببوسید؛ چراکه برای هر بوسه‌ای، درجه‌ای در بهشت است و فاصله میان دو درجه پانصد سال است.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

۱. رمادی، امانی‌زکریا، کودکان و دوستی با پیامبر ﷺ، تهران: محراب فکر، ۱۳۸۸.
۲. عبدی، زهرا، قصه‌های پیامبر ﷺ و کودکان، قم: دارالحديث، ۱۳۹۵.



سبک رفتاری پیامبر گرامی اسلام ﷺ در مواجهه با فقرا

پیام: ارزش گذاری طبقاتی در تضاد با آموزه های اسلامی

سؤالات اساسی و چالش های فکری مخاطب:

* آیا ساده زیستی در اسلام به معنای فقر است؟

تبیین موضوع و پیام:

در نگاه اسلام، فقر نه امری مطلوب است و نه مورد تأیید. در منابع اسلامی، فقر گاهی تا حد مرگ توصیف شده و از آن به عنوان یک بلا یاد شده است؛ اما در عین حال، ارزش گذاری انسان ها در اسلام نه بر اساس دارایی و ظاهر زندگی، بلکه بر پایه کرامت انسانی و تقواست.

بر همین اساس، پیامبر خدا ﷺ همواره یارانشان را به محبت و نزدیکی به فقرا سفارش می کردند. خودشان نیز در زندگی اجتماعی، با آنان می نشستند، شأنشان را رعایت می کردند و هرگز از آنان فاصله نمی گرفتند. در نگاه پیامبر گرامی اسلام ﷺ، مستضعفان نه تنها سرباری برای جامعه نبودند، بلکه همین ها بودند که عامل نصرت و پیروزی امت به شمار می رفتند.

چه در تقسیم غنائم جنگی که مساوات را میان شجاعان و ناتوانان برقرار ساختند و چه در مجالس عمومی، رسول خدا ﷺ هرگز اجازه نمی دادند که فقرا احساس تحقیر یا انزوا کنند.

رفتار پیامبر گرامی اسلام ﷺ با فقرا چنان بود که حتی سکونت گاهشان نیز در محله های فقیرنشین انتخاب شد تا از همان آغاز هجرت، دل های محرومان را به دست آورند و به آنان عزت ببخشند. وقتی ناچه ایشان در مدینه در محله محرومان ایستاد و رسول خدا ﷺ مهمان خانه ساده ابویوب انصاری شد، نشانه ای از همراهی با همین قشر بود یا زمانی که ثروتمندی در مجلس، لباس خود را از فقیر کناردستی اش جمع کرد، پیامبر گرامی اسلام ﷺ با صراحت او را نکوهش کردند و اجازه ندادند شأن انسانی آن فقیر زیر پا گذاشته شود.

قرآن کریم نیز همین روش را تثبیت کرد. آیه ای نازل شد که پیامبر گرامی



اسلام ﷺ را مأمور می‌کرد با کسانی بنشیند که شب و روز، خدا را می‌خوانند، گرچه از محرومان و پشمینه‌پوشان باشند.

ایشان هرگز شبیه پادشاهان رفتار نکردند و با رفتار و کلام خود به محرومان اطمینان دادند که نزد خدا و رسولش، عزیزترین بندگان، باتقواترین‌ها هستند. همین سیره، روح اسلام را بر کرامت انسان‌ها بنا نهاد، بی آن‌که فقر، سبب خواری آنان در نگاه دین باشد.

مستندات:

◆ سوره مبارکه انعام/۵۲: وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ

◆ سوره مبارکه کهف/۲۸: وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنِ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا

[شأن نزول آیه]

در شان نزول این آیه شریفه نوشته‌اند که آیه درباره مستضعفانی چون سلمان، ابوذر، صهیب، عمار، خباب و مانند ایشان از فقرای صحابه نازل شده است و آن، چنین بوده است: زمانی که مولفه قلوبهم، (کسانی که به منظور تمایل یافتن آنان به اسلام، از آن‌ها دلجویی می‌شود)، نزد پیامبر گرامی اسلام ﷺ آمدند و گفتند ای رسول خدا! اگر در صدر مجلس نشینی و این پشمینه‌پوشان بدبوی و کثیف را از خود دور کنی، ما نزد تو می‌آییم و دینت را می‌پذیریم. (مانع شرکت در جلسات رسول خدا ﷺ، جز این چیزی نبود؛ مستکبرانی که تاب تحمل مستضعفان صالح را نداشتند) از پیامبر خدا ﷺ می‌خواستند که در صف آنان و در جهت ایشان قرار گیرد و به مستضعفان پشت کند. می‌گفتند اگر آن‌ها را طرد کنی، ما می‌آییم، ما که مکت و قدرت داریم! پیامبر به آن‌ها چه می‌بایست می‌گفت؟ آیا بگوید اسلام شما را نمی‌خواهم، درحالی‌که اسلام برای همه است و او رحمة للعالمین؟ بگوید شما را می‌پذیرم و در



کنار خود قرار می‌دهم و مستضعفان را پس می‌زنم حال آن‌که آنان بهترین خلق خدا و یاران او بودند. این آیه شریفه نازل شد و تکلیف را روشن کرد. پس از نزول این آیه پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به پا خاست و در جستجوی مستضعفان و بینوایان شتافت. آنان را در انتهای مسجد دید که به ذکر الهی مشغول‌اند. رو به آنان کرد و فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُتْنِي حَتَّى أَمْرَنِي أَنْ أَضَيِّرَ نَفْسِي مَعَ رِجَالٍ مِنْ أُمَّتِي مَعَكُمْ الْمَحْيَا وَمَعَكُمْ الْمَمَاتُ؛ خدایا را سپاس که زندگی‌ام را به پایان نرساند تا دستور داد که من در کنار گروهی از اتمم با آن‌ها باشم، من در زندگی و مرگ با شما هستم. (تفسیر مجمع‌البیان، ج ۴، ص ۶۲)

[نزدیک شدن به فقرا و دوستی با ایشان]

◆ ابودر غفاری رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: «أَوْصَانِي رَسُولُ اللَّهِ بِسَبْعِ أَوْصَانٍ أَنْ أَنْظُرَ إِلَى مَنْ هُوَ دُونِي وَلَا أَنْظُرَ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقِي وَأَوْصَانِي بِحُبِّ الْمَسَاكِينِ وَالذُّنُورِ مِنْهُمْ» (خصال شیخ صدوق، ج ۱، ص ۳۴۵)

- حبیبم رسول خدا مرا به هفت خصلت سفارش فرمود این‌که در هیچ حالی آن‌ها را ترک نکنم: این‌که به پایین‌تر از خود بنگرم و به آن‌که برتر از من است ننگرم و این‌که مستمندان را دوست بدارم و به آنان نزدیک شوم.

[محبوب‌ترین بندگان]

واقعی می‌نویسد از عکرمه برایم نقل کرده‌اند که می‌گفت: «مردم درباره کیفیت تقسیم غنیمت‌های جنگ بدر دچار اختلاف شدند. پس رسول خدا دستور داد تا همه غنیمت‌ها را به بیت‌المال برگردانند و همه برگردانده شد. شجاعان گمان می‌کردند که رسول خدا غنیمت‌ها را به آنان اختصاص خواهد داد، بدون آن‌که به ناتوانان چیزی داده شود. آنگاه پیامبر دستور داد تا غنیمت‌ها به‌طور مساوی میان آن‌ها تقسیم شود. سعد بن ابی‌وقاص گفت: ای رسول خدا، آیا سوارکاری که قوم را حمایت کرده است باید با ضعیف و ناتوان مساوی باشد؟ پس پیامبر فرمود: مادرت به عزایت بنشیند! مگر شما جز به واسطه ضعیفان یاری شدید؟



(واقعی، ج ۱، ص ۹۹)

[همسایه خدا]

وقتی رسول الله ﷺ قصد سکونت در مدینه را داشت، خداوند آن گونه مقدر کرد که ناقه به محله فقیرنشین برود... وقتی ناقه از منزل بنی نجار هم گذشت، وارد منطقه محروم و فقیرنشین مدینه شد. پیامبر گرامی اسلام ﷺ، زمام ناقه را افکند و او همچنان به راه خود ادامه داد تا به محلی که اکنون مسجد پیامبر ﷺ واقع شده رسید. این محل قبلاً خوابگاه گوسفندان و شتران بود و به دو کودک یتیم از خزرجیان تعلق داشت و این دو کودک نیز تحت کفالت سعد بن عبادۀ بودند. ناقه پیامبر ﷺ مقابل خانه ابویوب انصاری رسید و در آنجا به زمین آمد، رسول خدا ﷺ از ناقه پائین آمد، در این هنگام مردم فقیر و مستضعف اطراف او جمع شدند و او را به منازل خویش دعوت کردند... پیامبر ﷺ به منزل یکی از فقرای مدینه به نام ابویوب انصاری رفت. ابویوب در منزل خود یک اتاق بیشتر نداشت و بالای این اتاق نیز غرفه‌ای بود، او راضی نشد که خود بالا رود و حضرت را در اتاق پائین پذیرائی کند و لذا پرسید یا رسول الله! پدر و مادرم فدای شما باد به اتاق بالا میل دارید بروید و با در پائین اقامت می‌کنید؟ زیرا من دوست ندارم در اتاق بالا زندگی کنم. پیامبر ﷺ فرمود: اتاق پائین برای ما مناسب‌تر است؛ زیرا مردم با ما رفت و آمد می‌کنند و این موجب سهولت برای مراجعین است. (مناقب آل ابی‌طالب، ج ۱، ص ۱۶۰)

[کفاره تحقیر فقیر]

در یکی از روزها، یکی از ثروتمندان مدینه در حضور پیامبر خدا ﷺ نشسته بود که در این هنگام یکی از فقرا وارد شد و در کنار مرد ثروتمند نشست. مرد ثروتمند قیافه در هم کشید و لباسش را جمع کرد، به طوری که لباسش با لباس آن فقیر تماس نداشته باشد، به نحوی که افراد حاضر در مجلس با خود گفتند که این عمل او برای کوچک شمردن آن فقیر بود. در این هنگام رسول خدا ﷺ به عمل این شخص انتقاد کرده و



به آن شخص ثروتمند فرمود: آیا ترسیدی که از فقر این شخص چیزی به تو برسد؟ آن مرد عرض کرد: خیر؛ فرمود: آیا ترسیدی از ثروت تو چیزی به او برسد؟ عرض کرد: خیر یا رسول الله! در این هنگام مرد غنی که از این موعظه پیامبر ﷺ متنبه شده بود، عرض کرد یا رسول الله! من نصف مالم را به این فقیر می‌دهم؛ اما فقیر قبول نکرد، سپس عرض کرد تمام ثروتم را به عنوان کفاره این تحقیر و توهین به این فقیر می‌دهم. (مجموعه الرسایل، ص ۴۵۸)

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

- دلشادتهرانی، مصطفی، سیره نبوی «منطق عملی»: سیره اجتماعی، تهران: انتشارات دریا، ۱۳۸۵.



محبت اهل بیت علیهم السلام در کلام رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

پیام: نجات انسان و رسیدن به راه رستگاری در محبت اهل بیت علیهم السلام

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

* واقعاً محبت اهل بیت علیهم السلام چه فایده‌ای برای زندگی ما دارد؟

تبیین موضوع و پیام:

حب اهل بیت علیهم السلام مخصوص یک گروه خاصی در اسلام نیست؛ همه مسلمین اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را دوست می‌دارند؛ همه مسلمین نسبت به اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم ارادت دارند. یک عده خیلی معدود و خیلی به عنوان نواصب در تاریخ بودند که آن‌ها هم به احتمالی انگیزه‌هایشان انگیزه‌های سیاسی بود، نه به معنای واقعی انگیزه دینی؛ لکن قاطبه مسلمین، از صدر اوّل تا امروز محب اهل بیت علیهم السلام محسوب می‌شوند. (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس محبان اهل بیت علیهم السلام و مسئله تکفیری‌ها، ۱۳۹۶/۰۹/۰۲)



محبت به اهل بیت علیهم السلام در آموزه‌های اسلامی جایگاهی بسیار والا دارد و به عنوان نشانه‌ای از ایمان راستین شمرده شده است. در بسیاری از سخنان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم تأکید شده که دوستی با خاندان او، پیمانی است الهی که بر عهده هر مسلمان نهاده شده و کلید رستگاری و ورود به بهشت به شمار می‌آید. این محبت، در حقیقت رشته‌ای است که دل‌های مؤمنان را به سرچشمه هدایت و رحمت الهی پیوند می‌زند.

از سوی دیگر، از معارف دینی این نکته به دست می‌آید که حب اهل بیت علیهم السلام تنها یک احساس قلبی یا ادعای زبانی نیست، بلکه با پیروی، تبعیت و ولایت‌پذیری معنا پیدا می‌کند. در برخی از این رهنمودها، بیان شده که کسی که دم از محبت می‌زند اما در عمل، به دستورات اهل بیت علیهم السلام پایبند نیست، در حقیقت از دایره محبت واقعی بیرون است. این محبت باید همچون سپری در برابر آتش دوزخ باشد که با عمل صالح و پیروی از مسیر آن بزرگواران استحکام می‌یابد.

همچنین در آموزه‌های دینی تأکید شده که محبت به اهل بیت علیهم‌السلام، سبب پاکي دل‌ها، زدوده شدن گناهان و قبولی اعمال انسان می‌شود. این دوستی، سرمایه‌ای ارزشمند برای روز قیامت است که می‌تواند دستگیر و شفیع دوستداران واقعی باشد. به این ترتیب، محبت به خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم راهی استوار برای رسیدن به خلوص ایمان و نزدیکی به خداوند به شمار می‌رود که دل را سرشار از نور هدایت می‌کند.

مستندات:

- ◆ **سوره مبارکه شوری/۲۳:** ... قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ
- ◆ **سوره مبارکه بقره/۱۶۵:** وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّوهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ ...

[حب اهل بیت علیهم‌السلام، عشق به خدا]

◆ **پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم:** مَن رَزَقَهُ اللَّهُ حُبَّ الْأَيِّمَةِ مِن أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلَا يُشَكُّ أَحَدٌ أَنَّهُ فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ فِي حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي عِشْرِينَ خَصْلَةً عَشْرٌ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا وَعَشْرٌ مِنْهَا فِي الْآخِرَةِ أَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا فَالزُّهْدُ وَالْحِرْصُ عَلَى الْعَمَلِ وَالْوَرَعُ فِي الدِّينِ وَالرَّغْبَةُ فِي الْعِبَادَةِ وَالتَّوْبَةُ قَبْلَ الْمَوْتِ وَالتَّشَاؤُ فِي قِيَامِ اللَّيْلِ وَالْيَأْسُ بِمَا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَالْحِفْظُ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ عَزَّوَجَلَّ وَالتَّاسِعَةُ بَعْضُ الدُّنْيَا وَالْعَاشِرَةُ السَّخَاءُ وَأَمَّا الَّتِي فِي الْآخِرَةِ فَلَا يَنْسَرُ لَهُ دِيوَانٌ وَلَا يَنْصَبُ لَهُ مِيزَانٌ وَيُعْطَى كِتَابُهُ بِيَمِينِهِ وَتُكْتَبُ لَهُ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَيَبْيَضُّ وَجْهُهُ وَيُكْسَى مِنْ حُلْلِ الْجَنَّةِ وَيُسَقَّعُ فِي مَائَةٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَيَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ وَيَتَوَجَّعُ مِنْ تَجَانِ الْجَنَّةِ وَالْعَاشِرَةُ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَطَوَى لِحْجَتِي أَهْلَ بَيْتِي (خصال، ج ۱، ص ۵۱۵)؛

- هر که خداوند، محبت اهل بیت مرا روزی اش کند، بی‌گمان به خیر دنیا و آخرت رسیده است و در اینکه او اهل بهشت است، احدی نباید شک کند؛ زیرا دوست داشتن اهل بیت من، بیست نتیجه به بار می‌آورد: ده تا در دنیا و ده تا در آخرت؛ اما نتایج آن در دنیا عبارت‌اند از: زهد، شوق به کار و عمل، پارسایی در دین، رغبت به عبادت، توبه



پیش از مرگ، نشاط در شب‌زنده‌داری، چشم برکندن از آنچه مردم دارند، حفظ اوامر و نواهی خداوند. عَزَّوَجَلَّ، نهم: دشمن داشتن دنیا و دهم: سخاوت و بخشندگی؛ و اما نتایج آن در آخرت: نامه اعمالی برایش گشوده نمی‌شود، میزانی برایش برپا نمی‌شود، نامه اعمالش به دست راست او داده می‌شود، برات آزادی از آتش دوزخ برایش نوشته می‌شود، روسفید می‌شود، از جامه‌های بهشت بر قامت او پوشیده می‌شود، شفاعت او درباره صد نفر از خانواده‌اش پذیرفته می‌گردد، خداوند. عَزَّوَجَلَّ. به او با مهر و رحمت می‌نگرد، از تاج‌های بهشت بر سرش می‌نهند و دهم اینکه بدون حسابرسی به بهشت می‌رود. پس خوشا به حال دوستداران اهل بیت من.

♦ پیامبر گرامی اسلام ﷺ: وَلِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَأَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (تحف العقول، ص ۵۲)؛

• هر چیزی بنیادی دارد و بنیاد اسلام، دوست داشتن ما خاندان است.

♦ امام باقر (ع): لَا يُحِبُّنَا عَبْدٌ وَيَتَوَلَّانَا حَتَّى يُطَهَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ وَلَا يُطَهَّرَ اللَّهُ قَلْبَ عَبْدٍ حَتَّى يُسَلِّمَ لَنَا وَيَكُونَ سَلَامًا لَنَا فَإِذَا كَانَ سَلَامًا لَنَا سَلَّمَ اللَّهُ مِنْ شَدِيدِ الْحِسَابِ وَأَمَنَهُ مِنْ فَرَعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ الْأَكْبَرِ (کافی، ج ۱، ص ۱۹۴)؛

• هیچ بنده‌ای نیست که ما را دوست بدارد و ولایت ما را بپذیرد، مگر این‌که خداوند دل او را پاک گرداند و خداوند دل هیچ بنده‌ای را پاک نکرد، مگر این‌که تسلیم ما شد و از ما فرمان‌برداری کرد و چون فرمان‌بردار ما شد، خداوند او را از سختی حساب به سلامت دارد و از هراس بزرگ روز قیامت ایمنش گرداند.

♦ جابر بن عبدالله انصاری: بادیه نشینی نزد پیامبر آمد و عرض کرد: یا رسول الله هَلْ لِلْجَنَّةِ مَنْ مَن قَالَ نَعَمْ قَالَ مَا تُمْنُهَا قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَقُولُهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ مُخْلِصًا بِهَا قَالَ وَمَا إِخْلَاصُهَا قَالَ الْعَمَلُ بِمَا بُعِثْتُ بِهِ فِي حَقِّهِ وَحُبُّ أَهْلِ بَيْتِي قَالَ وَحُبُّ أَهْلِ بَيْتِكَ لِمَنْ حَقَّقَهَا قَالَ أَجَلٌ إِنَّ حُبَّهُمْ لَأَعْظَمُ حَقِّهَا (امالی طوسی، ص ۵۸۳)؛

• ای رسول خدا، آیا بهشت، بهایی دارد؟ فرمود: آری. عرض کرد: بهایش چیست؟ فرمود: کلمه لا اله الا الله که بنده صالح آن را از روی اخلاص



بگوید: عرض کرد: اخلاص آن چیست؟ فرمود: عمل کردن به آنچه برای آن فرستاده شده‌ام و دوست داشتن اهل بیت من. عرض کرد: دوست داشتن اهل بیت شما، از حقوق این کلمه است؟ فرمود: آری، دوست داشتن آنان بزرگ‌ترین حق آن است.

♦ رسول خدا ﷺ: حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يُكَفِّرُ الذُّنُوبَ وَيُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ (امالی طوسی، ص ۱۶۴)؛

- دوست داشتن ما اهل بیت، گناهان را پاک می‌کند و حسنات را دوجندان می‌سازد.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

- فرناق، حبیب؛ امینی، عبدالحسین، آفاق محبت «به اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ»، تهران: انتشارات نبأ، ۱۳۹۰.



برترین بندگان از منظر پیامبر گرامی اسلام ﷺ

پیام: توصیه‌های اخلاقی رسول خدا ﷺ راه رسیدن به سعادت

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

- * دین‌داری واقعی یعنی چه؟ یعنی باید همیشه در مسجد باشیم یا برویم در کوه و بیابان زندگی کنیم؟
- * آدم خوب بودن سخت است یا باید کارهای خیلی بزرگی انجام بدهم تا خدا از من راضی باشد؟
- * آیا خیر و برکت زندگی فقط همراه با پول زیاد است؟ آیا اگه نادار باشیم، دیگر نمی‌توانیم مفید باشیم؟

تبیین موضوع و پیام:

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در آموزه‌های خود، معیارهایی برای شناسایی «برترین بندگان» معرفی کرده‌اند که عمدتاً بر فضایل اخلاقی و رفتارهای اجتماعی تأکید دارند. این معیارها شامل عابدترین، زاهدترین و پرهیزکارترین انسان‌ها می‌شود. از دیدگاه ایشان، عابدترین فرد کسی است که به انجام واجبات دینی خود ملتزم باشد و نیازی به ریاضت‌های سخت و گوشه‌نشینی نیست. زاهدترین انسان کسی است که از هرگونه حرام الهی دوری کند، چرا که ترک گناه، شرط اصلی قرب الهی و محبت خداست. همچنین، پرهیزکارترین مردم کسانی هستند که همواره به حق سخن بگویند، چه این حقیقت به سودشان باشد و چه به ضررشان، زیرا راست‌گویی باعث جلب اعتماد، محبت و ایجاد وقار در شخصیت فرد می‌شود.

ادامه این آموزه‌ها به معرفی پارساترین، گرامی‌ترین و سعادت‌مندترین بندگان می‌پردازد. پارساترین فرد کسی است که حتی اگر حق با او باشد، از مجادله و بگومگو خودداری کند تا از ایجاد کدورت و دشمنی جلوگیری شود و ایمان واقعی حفظ گردد. گرامی‌ترین انسان نیز فردی است که هرگز از خداوند نزد مردم شکایت نکند و فقط به درگاه او گله ببرد، چرا که صبر در برابر ناملایمات و



توکل به خدا، از نشانه‌های بزرگواری است. سعادتمندترین انسان نیز کسی است که با افراد بزرگوار و کریم هم‌نشینی کند و از دوستی با افراد پست دوری جوید، زیرا هم‌نشینی تأثیر عمیقی بر دین‌داری و شخصیت انسان دارد و باعث هدایت به سمت کمال می‌شود.

درنهایت، پیامبر گرامی اسلام ﷺ به ویژگی‌های ثروتمندترین، سخاوتمندترین، بهترین و زیرک‌ترین بندگان اشاره می‌کنند. ثروتمندترین فرد کسی است که به روزی و قسمت الهی راضی باشد و طبع بلند داشته باشد، زیرا بی‌نیازی واقعی در قناعت است نه در کثرت مال. سخاوتمندترین انسان نیز کسی است که واجبات مالی خود، از جمله خمس و زکات را به موقع پرداخت کند و این را نشانه ایثار و انسان دوستی می‌دانند. بهترین بندگان، خردمندان و عاقلانی هستند که دارای اخلاق نیکو، بردباری، صله رحم، نیکی به والدین، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، اطعام نیازمندان و اقامه نماز شب باشند. در آخر، زیرک‌ترین انسان کسی است که بیش از همه به یاد مرگ باشد و خود را برای آن آماده کند، چرا که یاد مرگ موجب پاکی گناهان، بی‌توجهی به دنیا و فاصله گرفتن از شهوات می‌شود و از بالاترین انواع پرهیزگاری و عبادت محسوب می‌گردد.

مستندات:

◆ **سوره مبارکه بقره/ ۱۷۷:** لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ

◆ **سوره مبارکه اسراء/ ۲۳:** وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍ وَلَا تَمَهِرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا

◆ **سوره مبارکه نساء/ ۱۳۵:** يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ ...



♦ پیامبر گرامی اسلام ﷺ: أَعْبُدُ النَّاسَ مِنْ أَقَامِ الْفَرَائِضَ وَأَسْخَى النَّاسَ مَنْ أَدَّى زَكَاةَ مَالِهِ وَأَزْهَدُ النَّاسِ مَنْ اجْتَنَبَ الْحَرَامَ وَأَشَقَّ النَّاسِ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِيمَا لَهُ وَعَلَيْهِ وَأَعْدَلُ النَّاسِ مَنْ رَضِيَ لِلنَّاسِ مَا يَرْضَى لِنَفْسِهِ وَكَرِهَ لَهُمْ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ وَأَكْيَسُ النَّاسِ مَنْ كَانَ أَشَدَّ ذِكْرًا لِمَوْتٍ وَأَغْبَطُ النَّاسِ مَنْ كَانَ تَحْتَ الثَّرَابِ قَدْ أَمِنَ الْعِقَابَ وَيَرْجُو الثَّوَابَ وَأَعْقَلُ النَّاسِ مَنْ لَمْ يَتَعَطَّ بِتَغْيِيرِ الدُّنْيَا مِنَ حَالٍ إِلَى حَالٍ وَأَعْظَمُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا خَطَرًا مَنْ لَمْ يَجْعَلِ لِلدُّنْيَا عِنْدَهُ خَطَرًا وَأَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ وَأَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ وَأَكْثَرُ النَّاسِ قِيَمَةً أَكْثَرُهُمْ عِلْمًا وَأَقْلُ النَّاسِ قِيَمَةً أَقَلُّهُمْ عِلْمًا وَأَقْلُ النَّاسِ لَذَّةَ الْحُسُودِ وَأَقْلُ النَّاسِ رَاحَةَ الْبَخِيلِ وَأَبْجَلُ النَّاسِ مَنْ بَخَلَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ وَأَوْلَى النَّاسِ بِالْحَقِّ أَغْلَهُهُمْ بِهِ وَأَقْلُ النَّاسِ حُرْمَةَ الْفَاسِقِ وَأَقْلُ النَّاسِ وَفَاءَ الْمَمْلُوكِ وَأَقْلُ النَّاسِ صَدِيقاً الْمَلِكُ وَأَفْقَرُ النَّاسِ الظَّالِمُ وَأَعْنَى النَّاسِ مَنْ لَمْ يَكُنْ لِلْحِرْصِ أَسِيراً وَأَفْضَلُ النَّاسِ إِيمَاناً أَحْسَنُهُمْ خُلُقاً وَأَكْرَمُ النَّاسِ أَتْقَاهُمْ وَأَعْظَمُ النَّاسِ قَدراً مَنْ تَرَكَ مَا لَا يَنْفَعُهُ وَأَوْزَعَ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَإِنْ كَانَ مُحِقّاً وَأَقْلُ النَّاسِ مُرُوءَةً مَنْ كَانَ كَاذِباً وَأَشَقَّ النَّاسِ الْمُلُوكُ وَأَمَقَّتْ النَّاسِ الْمُتَكَبِّرُ وَأَشَدُّ النَّاسِ اجْتِهَاداً مَنْ تَرَكَ الذُّنُوبَ وَأَحْكَمُ النَّاسِ مَنْ فَرَغَ مِنْ جُهَالِ النَّاسِ وَأَسْعَدُ النَّاسِ مَنْ خَالَطَ كِرَامَ النَّاسِ وَأَعْقَلُ النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مَدَارَةً لِلنَّاسِ وَأَوْلَى النَّاسِ بِالثَّهْمَةِ مَنْ جَالَسَ أَهْلَ الثَّهْمَةِ وَأَعْنَى النَّاسِ مَنْ قَتَلَ غَيْرَ قَاتِلِهِ أَوْ ضَرَبَ غَيْرَ ضَارِبِهِ وَأَوْلَى النَّاسِ بِالْعَفْوِ أَقْدَرُهُمْ عَلَى الْعُقُوبَةِ وَأَحَقُّ النَّاسِ بِالذَّنْبِ أَلْسَفِيهِ الْمُتَعَتِّابُ وَأَذَلُّ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ وَأَخْزَمُ النَّاسِ أَكْظَمُهُمْ لِلْعِظِ وَأَصْلَحُ النَّاسِ أَصْلَحُهُمْ لِلنَّاسِ وَخَيْرُ النَّاسِ مَنْ اِنْتَفَعَ بِهِ النَّاسُ (من لا يحضره

الفقيه، ج ۴، ص ۳۹۴)؛

- عابدترین مردم کسی است که واجبات را به جای آورد، سخی ترین مردم کسی است که زکات مالش را بپردازد، زاهدترین مردم کسی است که از حرام اجتناب کند و باتقواترین مردم کسی است که حق را بگوید چه به نفع او باشد و چه به ضرر او. عادل ترین مردم کسی است که برای مردم همان را بپسندد که برای خود می پسندد و برای ایشان همان را ناپسند بدارد که برای خود ناپسند می دارد. زیرک ترین مردم کسی است

که بیش از همگان مرگ را به یاد آورد. شادترین و خوشحال‌ترین مردم کسی است که زیر خاک از کیفر ایمن است و ثواب را امید همی‌دارد. غافل‌ترین مردم کسی است که از دگرگون شدن دنیا از حالی به حال دیگر پند نگیرد و گران‌قدرترین مردم کسی است که برای دنیا در نظر خود قدر و منزلتی قرار ندهد. عالم‌ترین مردم کسی است که علم مردم را با علم خود جمع کند. شجاع‌ترین مردم کسی است که بر هوای نفس خود پیروز باشد. پرارزش‌ترین مردم عالم‌ترین ایشان است، کم‌بهاترین مردم کم‌علم‌ترین ایشان است، کم‌لذت‌ترین مردم حسود است و کم‌آسایش‌ترین مردم بخیل است و بخیل‌ترین مردم کسی است که دربارهٔ حقوقی که خداوند عزوجل بر او واجب ساخته است بخل ورزد. سزاوارترین مردم به رعایت حق، داناترین ایشان نسبت به حق است و کم‌حرمت‌ترین مردم، فاسق است و کم‌وفاترین مردم، برده است و کم‌دوست‌ترین مردم، پادشاه است و فقیرترین مردم، شخص طمع‌کار است و بی‌نیازترین مردم، کسی است که اسیر حرص نباشد. برترین مردم از جهت ایمان، خوشخوی‌ترین ایشان است و گرامی‌ترین مردم، پرهیزکارترین ایشان است و عظیم‌قدرترین مردم کسی است که در آنچه مربوط به او نیست مداخله نکند. پارساترین مردم کسی است که مجادله را ترک کند، اگر چه حق به جانب او باشد و کم‌بهره‌ترین از مردانگی کسی است که دروغ‌گو باشد. شقی‌ترین مردم، پادشاه‌اند و مبعوض‌ترین مردم، متکبر است و سرسخت‌ترین جهادکننده کسی است که گناهان را ترک کند و محکم‌ترین مردم کسی است که از جهال مردم بگریزد و سعادتمندترین مردم کسی است که با مردم کریم بیامیزد. عاقل‌ترین مردم سازگارترین ایشان با مردم است و سزاوارترین مردم به تهمت کسی است که با اهل تهمت هم‌نشین باشد و جبارترین مردم قاتل کسی است که قصد قتل او را نداشته و ضارب کسی است که او را نزده است، یا ارادهٔ زدن او را نداشته است. سزاوارترین مردم به عفو تواناترین ایشان به کیفر دادن است و شایسته‌ترین مردم به گناه کسی است که در حضور، سفیهانه سخن بگوید و در غیاب، غیبت کند و



دلیل‌ترین مردم کسی است که به مردم توهین کند و محتاط‌ترین مردم کسی است که بیشتر از دیگران خشم خود را فرومی‌خورد و صالح‌ترین مردم کسی است که برای مردم صلاحیت بیشتر داشته باشد و بهترین مردم کسی است که مردم از طرف او سود می‌برند.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

- حسینی، سید مجتبی، سلوک فردی، تهران: انتشارات نیستان هنر، ۱۳۹۴.





تاریخ زندگی امام حسن مجتبیٰ (ع)

پیام: سید ابرار و مصداق آیات تطهیر، مباحله و مودت

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

- * مهم‌ترین حوادث و ماجراهای دوران امام حسن مجتبیٰ (ع) کدام است؟
- * صلح امام حسن (ع) چه نقش و تأثیری در حفظ و بقای مکتب شیعه داشت؟

تبیین موضوع و پیام:

سبط اکبر پیامبر گرامی اسلام (ص)، در نیمه ماه رمضان سال دوم یا سوم هجری در مدینه چشم به جهان گشود. «تقی»، «طیب»، «زکی»، «سید» و «سبط امین» از جمله القاب و «ابومحمد» کنیه آن حضرت است که رسول خدا (ص) به ایشان داده بود.

دوران کودکی و نوجوانی امام حسن (ع) هم‌زمان با سال‌های پایانی عمر پیامبر عظیم‌شان اسلام (ص) و دوران پس از رحلت ایشان سپری شد. امام مجتبیٰ (ع) مورد محبت و توجه ویژه پیامبر گرامی اسلام (ص) بود، به‌طوری‌که روایت شده ایشان او را بر شانه خود می‌نهاد و دعا می‌کرد که خدا او را دوست بدارد. امام حسن (ع) در روایات پیامبر (ص) به عنوان «سرور جوانان بهشت» همراه با امام حسین (ع) معرفی شده است. حضور ایشان در وقایع مهمی چون «مباحله» و «آیه تطهیر» نشان‌دهنده جایگاه رفیع ایشان در نزد خداوند و رسول گرامی اسلام (ص) است.

در دوران امامت امیرالمؤمنین علی (ع)، امام حسن (ع) همواره همراه و یار پدر بود و در وقایعی چون جنگ جمل و صفین حضور فعال داشت. حضرت پس از شهادت امیرالمؤمنین علی (ع)، بنا به وصیت ایشان و با توجه به نص رسول خدا (ص)، به امامت رسید.

دوران امامت امام حسن (ع) با شرایط بسیار دشواری همراه بود. او پس از پذیرش خلافت، با معاویه که از تضعیف حکومت علوی سوءاستفاده می‌کرد،



روبرو شد. معاویه، با دسیسه و فتنه افکنی در میان سپاه امام حسن (علیه السلام)، باعث تفرقه و تزلزل درونی در میان یارانش شد. خیانت برخی از فرماندهان و زخمی شدن امام (علیه السلام) در سوء قصدی که به جانش شد، ایشان را ناگزیر به پذیرش صلح با معاویه در سال ۴۲ قمری نمود.

امام حسن (علیه السلام) پس از صلح با معاویه به مدینه بازگشت و در نهایت در ۲۸ صفر سال ۵۰ قمری به شهادت رسید. به گفته شیخ مفید، معاویه وقتی تصمیم گرفت برای ولایتعهدی پسرش یزید بیعت بگیرد، صد هزار درهم برای جعه دختر اشعث بن قیس (همسر امام حسن (علیه السلام)) فرستاد و به او وعده داد که در قبال مسموم کردن شوهرش، او را به ازدواج یزید درخواهد آورد.

مستندات:

[جایگاه امام حسن مجتبی (علیه السلام) در قرآن]

◆ سوره مبارکه احزاب / ۳۳: ... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

◆ سوره مبارکه آل عمران / ۶۱: فَمَنْ حَاكَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ

◆ سوره مبارکه انسان / ۸: وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا

◆ سوره مبارکه مطففين / ۲۲: إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ

◆ امام حسن (علیه السلام): كُلُّ مَا فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ الْأَبْرَارَ فَوَ اللَّهِ مَا أَرَادَ بِهِ إِلَّا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَفَاطِمَةَ وَأَنَا وَالْحُسَيْنُ لِأَنَّ أَخِي أَبِرَّارًا أَبَايْنَا وَأُمَّهَاتِنَا وَقُلُوبُنَا عَلَتْ بِالطَّاعَاتِ وَالْبِرِّ وَتَبَرَّأَتْ مِنَ الدُّنْيَا وَحُبِّهَا وَأَطَعْنَا اللَّهَ فِي جَمِيعِ فَرَائِضِهِ وَأَمَّا بِوَخْدَانِيَّتِهِ وَصَدَقْنَا بِرَسُولِهِ (تفسير نور الثقلين، ج ۵، ص ۵۲۶)؛

• هرکجا که در کتاب خداوند بزرگ واژه «إِنَّ الْأَبْرَارَ» وجود دارد، سوگند به خدا که جز علی بن ابی طالب، فاطمه، من و حسین منظور نیست؛ زیرا ما (حسن و حسین) به خاطر پدران و مادرانمان جزء ابرار هستیم و دل‌هایمان با اطاعت پروردگار و نیکی به مرتبه‌ای بالا و آگاهی و عرفان دست یافت. از دنیا و دنیادوستی (و دنیاپرستی) روگردانده است. ما در



تمام فرایض از خدا اطاعت کرده و به وحدانیت او ایمان آورده و پیامبرش را تصدیق کرده‌ایم.

♦ سوره مبارکه بقره/۳۷: فَتَلَقَّ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ...

♦ کلینی در روایت دیگر از امام باقر و صادق علیهما السلام روایت می‌کند، از حضرت در مورد آیه سؤال شد، حضرت فرمود: سَأَلَهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ وَقَاطِمَةَ. (المیزان، ج ۱، ص ۱۴۸)

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

- کریمی، مریم، آفتاب غریب (چهارده خورشید و یک آفتاب)، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۶.



فضائل و مناقب امام حسن مجتبیٰ علیہ السلام

پیام: بخشش بی نظیر کریم اهل بیت علیهم السلام

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

* مشهورترین ویژگی‌های امام حسن علیهم السلام کدام است؟

تبیین موضوع و پیام:

دامنه شخصیت بی‌مانند سبط اکبر پیامبر ﷺ امام حسن مجتبیٰ علیهم السلام، آن قدر وسیع و گسترده است که آثار و نشانه‌های آن در تمام کتب حدیث، تراجم، سیره، تاریخ و مناقب فراوان به چشم می‌خورد. امام حسن علیهم السلام یکی از اصحاب کساء و آل عبا و از اهل بیت پیامبر ﷺ است؛ اهل بیته که آیات فراوانی در شأن ایشان نازل شده است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ در جریان مباحله، او و امام حسین، حضرت علی و فاطمه علیهم السلام را به فرمان خدا، همراه خویش برد. آیات تطهیر، ذوی القربی، اولی الامر و بقیه آیاتی که در شأن ائمه اطهار و امام مجتبیٰ علیهم السلام نازل شده؛ فضیلتی بزرگ برای ایشان و سایر اهل بیت علیهم السلام به شمار می‌رود. کتاب‌های اهل سنت نیز سرشار از فضایل و مناقب آن حضرت از زبان رسول خدا ﷺ است.

بر اساس آنچه در منابع حدیثی آمده، امام حسن علیهم السلام برخوردار از صفات انسانی و کمالات اخلاقی بی‌نظیری بود که نظیر آن را کمتر می‌توان در افراد دیگر یافت. تواضع و فروتنی، خضوع و خشوع در پیشگاه خدا، شجاعت و شهامت، ترک دنیا و خوف الهی، بردباری در برابر سختی‌ها و ناجوانمردی‌ها و کنترل خشم و غضب، از شاخصه‌هایی است که شخصیت ایشان را از دیگران متمایز می‌ساخت.

مجموعه‌ی این صفات ذاتی و ویژگی‌ها، در کنار تربیت الهی و معنوی، امام حسن علیهم السلام را به الگویی ممتاز و چهره‌ای کم‌نظیر در میان بزرگان تاریخ بدل ساخته بود. تا جایی که از جهت بلاغت در سخن، شجاعت در رفتار، سخاوت در بخشش، هیبت در شخصیت و تقوا و عبادت، زبانزد خاص و عام شد.



مستندات:

♦ **سوره مبارکه آل عمران ۶۷:** فَتَنَّا حَاجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ

♦ **سوره مبارکه انسان ۸:** وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا

♦ **سوره مبارکه احزاب ۳۳:** ... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

♦ **امام حسن مجتبی (علیه السلام):** أيها الناس من عرفني فقد عرفني ومن لم يعرفني فأنا الحسن بن علي بن أبي طالب أنا ابن رسول الله أنا ابن البشير أنا ابن النذير أنا ابن السراج المنير أنا ابن مزنة السماء أنا ابن من بعث رحمة للعالمين أنا ابن من بعث إلى الجن والانس أنا ابن من قاتلت معه الملائكة أنا ابن من جعلت له الأرض مسجدا وطهورا أنا ابن من أذهب اللهم عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا أنا ابن من كان مستجاب الدعوة أنا ابن الشفيع المطاع أنا ابن أول من تنشق عنه الأرض ومن يقرع باب الجنة أنا ابن أول من ينفذ التراب عن رأسه أنا ابن من رضاه رضا الرحمن وسخطه سخط الرحمن أنا ابن من لا يسامى كرما (ذخائر العقي، ج ۱، ص ۱۴۰)؛

• ای مردم! هر که مرا شناخت، مرا شناخته است و هر که مرا نشناخت؛ من حسن بن علی بن ابی طالب هستم. من پسر رسول خدا هستم. من پسر بشیر هستم و پسر نذیر. من پسر چراغ تابانم. من پسر مزنه آسمانم. من پسر کسی هستم که رحمت را برای جهانیان فرستاد. من پسر کسی هستم که به سوی جن و انسان فرستاده شد. من پسر کسی هستم که به همراهش فرشتگان جنگیدند. من پسر کسی هستم که زمین را برای او مسجد و پاکیزه قرار داد. من پسر کسی هستم که خداوند پلیدی‌ها را از آنان زدوده و پاکشان کرده است. من پسر کسی هستم که دعاهايش مستجاب بود. من پسر شفيع و مطاع هستم. من پسر اولین کسی هستم که زمین از او شکافته شد و هر که در بهشت در می‌زند، من هستم. من پسر اولین کسی هستم که خاک را از سرش می‌تکاند. من پسر کسی هستم که رضایت او رضایت خداوند رحمان و



خشمش خشم خداوند رحمان است. من پسر کسی هستم که هرگز بزرگواری اش بی پاسخ نمی ماند.

♦ امام حسن علیه السلام: **نَحْنُ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ وَنَحْنُ الْأَمْرُونَ وَنَحْنُ النُّورُ نُنَوِّرُ**
الرُّوحَانِيَّينَ نُنَوِّرُ بِنُورِ اللَّهِ وَنُرَوِّحُ بِرُوحِهِ فِينَا مَسْكَنُهُ وَإِلَيْنَا مَعْدِنُهُ الْآخِرُ مِنَّا
كَالْأَوَّلِ وَالْأَوَّلُ مِنَّا كَالْآخِرِ (دلایل امامه، ص ۱۶۸)؛

- اولین و آخرین ما هستیم. دستوردهنده ماییم و ما نوریم. روحانیان رابه نور خدا روشن کنیم و با روح خدا که در ما سکونت دارد و سرچشمه آن از ماست، روحمندشان می کنیم. آخرین ما همانند نخستین است و نخستین ما همانند آخرین است.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

- امیری فر، امیرعلی، شخصیت و فضائل امام حسن مجتبی علیه السلام پیشوای دوم، معصوم چهارم، قم: صاحب الامر، ۱۳۸۱.



بخشش کریمانه در سیره و سبک زندگی امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام)

پیام: بخشش فوری و بی‌منت، شاخص زندگی کریمانه امام مجتبیٰ (علیه السلام)

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

* شاخص‌ها و ویژگی‌های ممتاز بخشش و کرامت امام مجتبیٰ (علیه السلام) چیست؟

تبیین موضوع و پیام:

بخشش کریمانه در سیره امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام) به معنای بخشیدن و کمک کردن به دیگران است پیش از آنکه درخواست کنند یا اظهار نیاز نمایند، به‌گونه‌ای که آبروی نیازمند حفظ شود و او احساس شرمساری نکند. امام حسن (علیه السلام) در بخشش‌های خود بی‌منت و بی‌درنگ بودند؛ یعنی حتی به سائل فرصت بیان نیاز نمی‌دادند و به‌سرعت و با اخلاص کامل، مال خود را در راه خداوند بذل می‌کردند.

برجستگی بخشش امام حسن (علیه السلام) این بود که همه دارایی‌ها و اموال خود را بارها در راه خدا بخشیدند؛ برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که ایشان دو بار، همه اموال خود را بخشیدند و سه بار ثروتشان را نصف کردند، نصف برای خود نگه داشته و نصف دیگر را به فقرا دادند. رفتار ایشان صرفاً بخشش مالی نبود، بلکه کریمانه و با حفظ کرامت انسانی بود، به‌گونه‌ای که هیچ‌گاه اجازه نمی‌دادند کسی به خاطر نیازمندی نزد ایشان شرمنده شود و همیشه با روی گشاده و احترام، حاجت نیازمندان را برطرف می‌کردند.

یکی از روایات زیبای مربوط به بخشش کرامت‌گونه امام حسن (علیه السلام) این بود که وقتی مردی نامه‌ای درباره حاجت خود به امام داد، امام بدون خواندن نامه فرمود: «حاجت رواست» تا نیازمند حتی مجبور به بیان نیازش نشود و آبرویش حفظ شود.

بخشنده‌گی کریمانه امام حسن (علیه السلام) نمونه عملی اخلاقی است که سفارش به تقسیم شادی و کمک به فقرا و مستضعفان دارد و نشان‌دهنده انسانیتی والا و توجه به ارزش کرامت انسانی است.



بنابراین، بخشش توأم با کرامت در سیره امام حسن مجتبی علیه السلام ویژگی‌هایی چون:

* کمک به نیازمند بدون درخواست و حتی پیش از درخواست؛

* حفظ آبروی نیازمند و جلوگیری از شرمندگی؛

* بخشش بی منت و بی درنگ با مهربانی و احترام؛

* تقسیم اموال در راه خدا؛

* ترویج سبک زندگی نیکوکارانه و توجه به حمایت همگانی از فقرا؛

را شامل می‌شود. این رفتار آن حضرت را به «کریم اهل بیت علیهم السلام» مشهور کرده است و آموزه‌های ایشان در این زمینه، الگوی اخلاقی والایی برای انسان‌ها به شمار می‌آید.

مستندات:

♦ **سوره مبارکه بقره / ۱۹۵:** وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ

وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

♦ **سوره مبارکه ماعون / ۳۰-۱:** أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ * فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ

الْيَتِيمَ * وَلَا يُخِصُّ عَلَى ظَعَامِ الْمَسْكِينِ

♦ **سوره مبارکه بقره / ۳:** الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ

يُنْفِقُونَ

♦ **قَالَ لَهُ: لَا تَزَلْ تَرُدُّ سَائِلًا وَإِنْ كُنْتَ عَلَى نَاقَةٍ فَقَالَ إِنِّي لِلَّهِ سَائِلٌ**

وَفِيهِ رَاغِبٌ وَأَنَا أَسْتَحْيِي أَنْ أَكُونَ سَائِلًا وَأَزِدَّ سَائِلًا وَإِنَّ اللَّهَ عَوَّدَنِي عَادَةً أَنْ

يُفِضَ نِعَمَهُ عَلَيَّ وَعَوَّدْتُهُ أَنْ أَفِضَ نِعَمَهُ عَلَى النَّاسِ فَأَخْشَى أَنْ قَطَعْتُ الْعَادَةَ

أَنْ يَمْنَعَنِي الْعَادَةُ (بلاغه الامام الحسن علیه السلام، ص ۱۳۵)؛

- گروهی در محضر امام مجتبی علیه السلام بودند، از حضرت سؤال کردند: چگونه است که شما هرگز سائل و نیازمندی را ناامید برنمی‌گردانید، گرچه سوار بر اشتر، در حالت رفتن باشید؟ فرمود: من هم به درگاه خداوند محتاج و سائلم و می‌خواهم که خداوند مرا محروم نگرداند و شرم دارم که با چنین امیدواری، سائلان را ناامید کنم، خدایی که نعمت‌هایش را بر من ارزانی داشته، می‌خواهد که من هم به مردم



کمک کنم و می ترسم که اگر بخشش خود را از مردم دریغ دارم، خداوند هم به من عنایتش را دریغ دارد و منع نماید.

امام علیه السلام به دنبال این گفتار این دو شعر را نیز انشا فرمود:

اذا ما اتانی سائل قلت مرحبا بمن فضله فرض علی معجل
و من فضله فضل علی کل فاضل و افضل ایام الفتی حین یسئل

(نورالابصار (شبلنجی)، ص ۱۱۱)

هنگامی که سائلی نزد من آید بدو گویم: خوش آمدی ای کسی که فضیلت او بر من فرضی عاجل است؛ و کسی که فضیلت او برتر بر هر فاضل است و بهترین روزهای جوانمرد، روزی است که مورد سؤال قرار گیرد و از او چیزی درخواست شود.

♦ امام حسن علیه السلام در پاسخ به سؤال معاویه از بزرگواری و دلیری و مردانگی: **أَمَّا الْكَرْمُ فَالْتَّبَرُّعُ بِالْمَغْرُوفِ وَالْإِعْطَاءُ قَبْلَ السُّؤَالِ وَالْإِطْعَامُ فِي الْمَحِلِّ ... وَأَمَّا الْمُرُوَّةُ فَحِفْظُ الرَّجُلِ دِينَهُ وَإِحْرَازُهُ نَفْسَهُ مِنَ الدَّنَسِ وَقِيَامُهُ بِضَيْعَتِهِ وَأَدَاءُ الْحُقُوقِ وَإِفْسَاءُ السَّلَامِ** (نزهة الناظر، ص ۷۹)

• اما بزرگواری (سخاوت) داوطلب شدن در احسان و نیکی است و دهش پیش از خواهش و اطعام کردن در قحط سالی... و اما مردانگی آن است که آدمی دین خود را نگه دارد و خویشتن را از آلودگی حفظ کند و به املاکش رسیدگی کند و حقوق را بپردازد و به همگان سلام گوید.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

- کریمی، مریم، آفتاب غریب (چهارده خورشید و یک آفتاب)، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۶.



علل و عوامل صلح امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام)

پیام: پرشکوه‌ترین نرمش قهرمانانه تاریخ

سؤالات اساسی و چالش‌های فکری مخاطب:

- * آیا امام حسن (علیه السلام) به خاطر ترس با معاویه صلح کرد؟
- * چرا امام حسن (علیه السلام) همچون امام حسین (علیه السلام) با همان یاران اندکش قیام نکرد؟

تبیین موضوع و پیام:

صلح امام حسن (علیه السلام) نتیجه تعامل پیچیده‌ای از واقعیت‌های سیاسی، ضعف در جامعه، تفاوت ماهوی دو جریان حق و باطل، ضرورت بقای جریان اسلام ارزشی و مصلحت‌اندیشی عمیق ایشان بود. بر اساس کتاب انسان ۲۵۰ ساله، علل و عوامل صلح آن حضرت را می‌توان در چند محور اصلی به شرح زیر بیان کرد:



* پس از خلافت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، جریان مخالفتی که به معاویه منتهی شده بود، به شدت قوی شد و به عنوان مانعی جدی در برابر حکومت اسلامی اصیل ظاهر گشت.

* وضعیت سیاسی و نظامی به گونه‌ای بود که استمرار جنگ مستقیم با معاویه، موجب نابودی کامل خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و شخصیت‌های شاخص اسلامی می‌گردید و این امر به معنای پایان اسلام ارزشی اصیل بود.

* قدرت معاویه برتر بود؛ دستگاه تبلیغات وسیع و امکانات مالی فراوانی در اختیار داشت که باعث می‌شد مقابله مستقیم با او با شکست قطعی همراه باشد.

* عدم آمادگی کافی عموم مردم و ترکیب ایمان‌های مذهبی با انگیزه‌های مادی موجب شده بود که حمایت عمومی از امام حسن (علیه السلام) اقناع نشود.

- * گروهی از یاران و خواص که باید همراه امام می‌بودند، کوتاهی کردند یا از همراهی بازماندند که این ضعف به شکست جبهه حق انجامید.
- * تبلیغات گسترده معاویه و بهره‌گیری از آموزه‌های مذهبی به نفع خود، فضای ذهنی مردم را مسموم ساخته بود.
- * جریان حق (امام حسن علیه السلام و یارانش) بر حفظ اصول و ارزش‌های دینی و بنیادین اسلام تأکید داشتند و اصل را بر اداره جامعه به وسیله دین می‌دانستند. در مقابل، جریان باطل (معاویه و دستگاهش) صرفاً به کسب قدرت و حفظ آن به هر قیمتی می‌اندیشید؛ آن‌ها از هر نوع تملق، دروغ، فریب و سرکوب برای رسیدن به اهداف خود استفاده کردند. این تفاوت باعث شد که جریان حق با محدودیت‌های اخلاقی و دینی در نبرد با جریان باطل که فاقد هرگونه محدودیتی بود، مواجه شود.
- * امام حسن علیه السلام معتقد بود که شهادت در آن شرایط محقق نمی‌شد و اگر کشته می‌شدند، نه به عنوان شهادت، بلکه به شکل یک انتحار بیهوده تلقی می‌گشت که نتیجه‌ای جز از بین رفتن کامل جریان اسلام اصیل نداشت.
- * امام مجتبی علیه السلام بر اصل حفظ دین و مکتب اهل بیت علیهم السلام تأکید داشت و صلح را به عنوان مانعی هوشمندانه برای جلوگیری از تسلط جریان باطل و سلطنتی کردن حکومت اسلامی انتخاب کرد.
- * ایشان صلح را تحمیلی ارزیابی می‌کردند، اما در واقع این صلح و شرایط امام حسن علیه السلام مکر الهی بود.
- * این صلح، شکل حکومت را تغییر داد و جریان اسلام را که به حکومتی تبدیل شده بود، به نهضتی بازگرداند که بازسازی حرکت اسلامی را در دوره‌های بعد ممکن ساخت.

مستندات:

- ◆ **سوره مبارکه انفال/۶۱:** وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ



- ♦ **سوره مبارکه آل عمران / ۵۴:** وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ
- ♦ **سوره مبارکه كهف / ۲۸:** وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنِ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا
- ♦ **امیرالمؤمنین علی (ع):** اعلم أن معاوية سَيَخَالِفُكَ كما خالفني، فإن وادعته وصالحته كنت مُقْتَدِيًا بِجِدِّكَ في مُوَادَعَتِهِ بَنِي صَمْرَةَ وَبَنِي أَشْجَع ... فإن أردت مُجَاهَدَةَ عَدُوِّكَ فَلَنْ يَصْلَحَ لَكَ مِنْ شَيْعَتِكَ مَنْ يَصْلَحُ لِأَيِّكَ (نهج السعادة،

ج ۲، ص ۷۴۳)؛

- بدان که معاویه همچنان که با من مخالفت کرد، با تو نیز مخالفت خواهد کرد. پس اگر با او از در صلح و آشتی درآیی، به جدت تأسی جسته‌ای که با بنی‌ضمیره و بنی‌اشجع... صلح کرد و اگر بخواهی با دشمن بتجنگی [بدان که] هرگز آن صلاحیت و وفاداری که پیروان پدرت داشتند، پیروان تو نخواهند داشت.

- ♦ **امام حسن (ع):** إِنْ مُعَاوِيَةَ نَارَعَني حَقًّا هُوَ لِي فَتَرَكْتُهُ لِصَلَاحِ الْأُمَّةِ وَحَقِّنْ دِمَائَهَا (بجاراتانوار، ج ۴۴، ص ۳۰)؛

- معاویه در حقی که از آن من بود با من ستیز کرد و من برای صلاح امت و جلوگیری از ریختن خونشان آن را واگذاردم.
- ♦ **امام صادق (ع):** أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ لَمَّا طُعِنَ وَاحْتَلَفَ النَّاسُ عَلَيْهِ سَلَّمَ الْأَمْرَ لِمُعَاوِيَةَ فَسَلَّمَتْ عَلَيْهِ الشَّيْعَةُ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا مُذِلَّ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ مَا أَنَا بِمُذِلِّ الْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنِّي مُعِزُّ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي لَمَّا رَأَيْتُكُمْ لَيْسَ بِكُمْ عَلَيْهِمْ قُوَّةٌ سَلَّمْتُ الْأَمْرَ لِأَبْنِي أَنَا وَأَنْتُمْ بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ كَمَا عَابَ الْعَالَمُ السَّفِينَةَ لَتَبَقِيَ لِأَصْحَابِهَا وَكَذَلِكَ نَفْسِي وَأَنْتُمْ لَتَبَقِيَ بَيْنَهُمْ (بجاراتانوار، ج ۷۸، ص ۲۸۷)؛

- حسن بن علی پس از آن که به جاننش سوء قصد شد و پیروانش از در ناسازگاری با وی درآمدند، کار را به معاویه وا گذاشت. آنگاه شیعیان شب به آن حضرت چنین سلام کردند: «سلام بر تو ای خوارکننده مؤمنان». حضرت فرمود: من خوارکننده مؤمنان نیستم، بلکه عزت بخش مؤمنانم. وقتی دیدم شما در برابر دشمن قدرتی ندارید، کار را به او وا گذاشتم تا من و شما در میان آنان باقی بمانیم؛ همچنان که آن عالم



(خضر) کشتی را سوراخ کرد تا برای صاحبانش باقی بماند و این چنین [است حکایت] من و شما تا در میان آن‌ها باقی بمانیم.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

- آل یاسین، راضی، صلح امام حسن: پرشکوه‌ترین نرمش قهرمانانه‌ی تاریخ، مترجم: سیدعلی خامنه‌ای، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی (وابسته به مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)، ۱۳۹۷.



پرشکوه‌ترین نرمش قهرمانانه تاریخ

پیام: نرمش قهرمانانه؛ پیروزی تدبیر و رسیدن به اهداف با هوشیاری

سوالات اساسی و چالش‌های ذهنی مخاطب:

* چگونه می‌توان بین نرمش و مقاومت، تعادل برقرار کرد؟

تبیین موضوع و پیام

صلح امام حسن علیه السلام نمونه‌ای از «نرمش قهرمانانه» بود که در شرایطی بحرانی برای حفظ اسلام و شیعیان اتخاذ شد. پس از خیانت یاران و تفرقه در سپاه امام علیه السلام، ادامه جنگ با معاویه نه تنها موفقیتی در پی نداشت، بلکه موجب نابودی کامل جبهه حق می‌شد. امام حسن علیه السلام که می‌دانست مردم دیگر انگیزه‌ای برای جهاد ندارند، با درایت، صلح را پذیرفت تا از هدر رفتن نیروهای مؤمن جلوگیری کند و اسلام را از خطر زوال نجات دهد. این تصمیم، نوعی انعطاف راهبردی بود که جای شکست در میدان جنگ، آینده روشنی را برای جریان حق رقم زد.

امام حسن علیه السلام در سخنرانی خود تأکید کرد که این صلح به دلیل عدم همراهی یاران و تزلزل درونی جامعه انجام می‌شود، نه از سر ضعف. او می‌دانست که معاویه پیمان خود را خواهد شکست و چهره واقعی‌اش را آشکار خواهد نمود. این صلح، راهبردی حساب‌شده بود که نشان داد حکومت بنی‌امیه به ارزش‌های دینی پایبند نیست و صرفاً در پی قدرت است. همان‌گونه که امام علیه السلام پیش‌بینی کرده بود، معاویه پس از صلح، شروط را زیر پا گذاشته و با گفتار و کردار خود، مشروعیت حکومتش را از بین برد.

نرمش قهرمانانه به معنای مانور هنرمندانه برای دست یافتن به مقصود است؛ به معنای این است که سالک راه خدا، در هر نوع سلوکی، به سمت آرمان‌های گوناگون و متنوع اسلامی که حرکت می‌کند، به هر شکلی و به هر نحوی هست، باید از شیوه‌های متنوع استفاده کند برای رسیدن به مقصود. (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور،



این «نرمش قهرمانانه» زمینه را برای قیام عاشورا و روشنگری‌های بعدی فراهم کرد. اگر امام حسن (علیه السلام) جنگ را ادامه می‌داد، شیعیان نابود می‌شدند و دیگر فرصتی برای حرکت اصلاحی امام حسین (علیه السلام) باقی نمی‌ماند؛ اما صلح امام حسن (علیه السلام)، مانند آتش زیر خاکستر، حقیقت را زنده نگه داشت و زمینه‌ساز نهضت‌های بعدی شد. این تصمیم راهبردی نشان داد که گاهی صلح می‌تواند مقدمه‌ای برای پیروزی باشد، همان‌گونه که در نهایت، عاشورا و قیام‌های بعدی بنی‌امیه را رسوا و نابود کردند.

مستندات:

◆ **سوره مبارکه انفال / ۶۱:** وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

[لازم بودن پذیرش صلح برای حفظ اسلام و جلوگیری از نابودی مسلمانان]

◆ **سوره مبارکه انفال / ۱۶:** وَمَنْ يُؤْمِدْ ذُبْرُهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

[تبیین مقام معظم رهبری ذیل این آیه و نرمش قهرمانانه امام حسن (علیه السلام)]

◆ **سوره مبارکه توبه / ۱۲:** وَإِنْ تَكُونُوا أَيْمَانُهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا إِنَّكُمُ الْكَافِرُ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ

◆ **امام حسن (علیه السلام):** وَاللَّهِ مَا سَلَّمْتُ الْأَمْرَ إِلَيْهِ إِلَّا أَنِّي لَمْ أَحِذْ أَنْصَارًا وَلَوْ وَجَدْتُ أَنْصَارًا لَفَاتَلْتُهِ لَيْلَىٰ وَنَهَارِي حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَهُ (احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۱۲):

• سوگند به خدا! حکومت را به او نسپردم مگر آنکه یارانی نیافتم و اگر یاورانی داشتم، شب و روزم را با او می‌جنگیدم تا خدا میان من و او داوری کند.

◆ **امام باقر (علیه السلام):** إِنَّ الْعِلْمَ الَّذِي وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ عِنْدَ عَلِيٍّ مِنْ عَرَفِهِ كَانَ مُؤْمِنًا وَمَنْ جَحَدَهُ كَانَ كَافِرًا ثُمَّ كَانَ مِنْ بَعْدِهِ الْحَسَنُ فَلْتُ كَيْفَ يَكُونُ بَيْتُكَ الْمُنَزَّلَةُ وَ



قَدْ كَانَ مِنْهُ مَا كَانَ دَفَعَهَا إِلَى مُعَاوِيَةَ فَقَالَ اسْكُتْ فَإِنَّهُ أَعْلَمُ بِمَا صَنَعَ لَوْ لَا مَا صَنَعَ لَكَ أَنْ أَمُرَ عَظِيمٍ (بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱)؛

• علم، آن است که رسول خدا نزد علی قرار داده بود. هر کس آن را بشناسد، مؤمن است و هر کس آن را انکار کند، کافر است. سپس بعد از علی، حسن بود. گفتم: چگونه چنین منزله‌ای دارد، با اینکه برخی از امور را به معاویه سپرد؟ فرمود: سکوت کن، زیرا او آگاه‌تر است به آنچه انجام داده است. اگر آن را انجام نمی‌داد، وضعیت بسیار عظیمی پیش می‌آمد.

◆ امام حسن علیه السلام: يَا جَابِرُ لَا تَعْزِلْنِي وَصَدِيقِي رَسُولَ اللَّهِ فِي قَوْلِهِ إِنَّ ابْنِي هَذَا سَيِّدٌ وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُضِلُّهُ بِهِ بَيْنَ فِتْنَتَيْنِ عَظِيمَتَيْنِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ (الناقب في المناقب، ج ۱، ص ۳۰۷)؛

• جابر! ملامتم نکن. رسول خدا را در گفتارش تصدیق کن که فرمود: به راستی که این فرزندم آقا و سرور است، خداوند متعال به وسیله او در میان دو گروه بزرگ از مسلمانان صلح و آشتی برقرار می‌کند.

منابع مطالعاتی برای مخاطب:

۱. مطهری، مرتضی، صلح امام حسن علیه السلام، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۹۲.
۲. خامنه‌ای، سید علی، صلح امام حسن علیه السلام پرشکوه‌ترین نرمش قهرمانانه تاریخ، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی

